

با تمام توان خود مساهبت  
ارتجاعی جنگ را افشا و با  
سازماندهی مقاومت مسلحانه از  
منافع زحمتکشان دفاع کنیم

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۲۰ آذرماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۸  
Iranische Bibliothek

۱۶ صفحه - ۲۰ رز

# “ضد امپریالیستها” به یاری امپریالیسم زاپین می شتابند!

است که هیچ یک از جناحهای هیئت  
حاکمه، نه تنها با اجرای این طرح  
مخالفتی ندارند، بلکه حتی زاپین را  
تهدید می کنند که اگر هر چه زود تر به کار  
خود ادامه ندهد، اجرای آن را به دیگران  
(ظاهراً اروپائی ها) واگذار می کنند.

درگیرودارهای یهودی مبارزه "ضد  
امپریالیستی" حکومت جمهوری اسلامی،  
امپریالیسم زاپین به اجرای یکی از  
طرحهای مهم خویش در ایران که هدف آن  
غارت منابع ملی و تحکیم بندهای  
گوناگون وابستگی برپای اقتصاد  
ایران است، ادامه می دهد و جالب این

بقیه در صفحه ۴

## مشکل مسکن برای زحمتکشان

بعد از جابجایی آنها و وعده  
وعیدهای دوساله جمهوری اسلامی در  
مورد مسکن، اکنون روشن می شود که  
نه تنها به این امر حیات توده های  
زحمتکش پاسخ داده نشده بلکه حلایی  
آب دهان گودها، کپرنشین ها، آلونک  
ها و زانگه نشین ها و... هم چنان وجود  
دارند و با لارفتن هزینه زندگی و  
بقیه در صفحه ۱۱

## ۲۱ آذر ۱۳۲۴ طلیعه زودگذر جنبش دموکراتیک آذربایجان

خلق قهرمان آذربایجان بعنوان  
یک خلق تحت ستم همیشه در جنبش  
ضد امپریالیستی - دمکراتیک  
خلقهای سراسر ایران نقشی بس  
ارزنده ایفا کرده است. سنن انقلابی  
تاریخی و نقش بااهمیتی که  
زحمتکشان آذربایجان در انقلاب  
مشروطیت و جنبشهای پس از آن ایفا  
نموده است، بر کسی پوشیده نیست.  
بقیه در صفحه ۱۰

## انتقاد لبرالها به دادگاههای انقلاب

صفحه ۱۰

## “کمیته مرکزی” به دروغپردازیهای خود ادامه میدهد

صفحه ۱۱

### در این شماره:

● اخبار کارگری

● اخبار دانش آموزی

● گزارش روستائی

● درباره تبلیغ و نقش آن

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله  
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

# «به این می گویند مبارزه با وابستگی و امپریالیسم!!»

ما بارها در صفحات روزنامه و تحلیل های مندرج در نبرد خلق درباره ما هیت بورژوازی حکومت مطالبی نوشتیم و اکنون برای افشای ما هیت سرمایه داری و وابستگی اقتصادی حکومت دو اطلاعیه را که در روزنامه ها درج شده است، به عنوان شاهد گویا می آوریم.

اطلاعیه اول مربوط است به شرکت لاستیک پارس که توسط شرکت امپریالیستی پیرلی (PIRELLI) ساخته می شود. این شرکت ایتالیایی که با شرکت امپریالیستی (DONLOP انگلیسی) عقد برادری بسته است، سعی دارد همچون شرکت های امپریالیستی دیگر سهمی از بازار لاستیک ایران را در انحصار خود درآورد و دولت به اصطلاح "صدا مپریالیست" از طریق بانک ملی شده (دولتی شده) صنعت و معدن با شرکت مزبور سه فقره وام ارزی ... معادل ۲۴۴/۳۶۰/۰۰۰ ریال منعقد نموده است. سرمایه شرکت نیز افزایش یافته است (به اصل اعلامیه رجوع شود. کیهان دوم آذر ۵۹).

با آوری می شویم که قرار داد تا سپس شرکت مزبور توسط رژیم شاهنشاهی بسته شده و این حکومت که خود را "صدقا غوثی" می نامد، همان طرح را، البته با افزایش سرمایه دنیال می کند. در ضمن باید پرسید در شرایطی که حرکت اتومبیل های سواری محدود شده، و مصرف لاستیک کاهش می یابد، کدام ضرورت، احداث و توسعه این شرکت را توجیه می کند، جز کمک به موسسات امپریالیستی؟

آگهی دوم در مورد شرکت پتروشیمی ایران - ژاپن است و به قرار است که از متن معلوم میشود (مراجعه شود به کیهان ۵۹/۵/۲۰) دولتی که "در حال جنگ با امپریالیسم است" سرمایه یک شرکت وابسته را ده میلیون ریال افزایش می دهد و قسمتی از روزنامه که کمتر خواننده را جلب می کند - روزنامه به مردم اطلاع می دهد که "علیرغم محاصره اقتصادی توسط امپریالیسم"، مایل و مصر به ادا مه قرارداد های امپریالیستی است. البته بیش از یک سال پیش مطبوعات

غربی (و نه ایرانی) خبر داده بودند که سرپرست شرکت پتروشیمی ایران اعلام کرده که دولت قصد دارد سهام ژاپنی ها را بخرد، البته آن سرپرست در زمره لیبرال های "همکار مهندس" مقدم مراغه ای بود و این دولت، متعهد، مکتبی و ضد وابستگی! اما در مورد علاقه ژاپنی ها به افزایش تسلط خود بر این حوزه از اقتصاد ایران باید گفت که سرمایه امپریالیست های ژاپنی همچنان که پنهان نمی کنند، از این طریق می خواهند چهار مشکل اساسی خود را حل کنند: ۱- دسترسی انحصاری به مواد اولیه فراوان و ارزان قیمت. ۲- برخورداری از نیروی کار ارزان. ۳- امکان کنترل بازار محصولات پتروشیمی. ۴- خلاصی از مقررات محیط زیست در ژاپن که اجازه توسعه واحدهای پتروشیمی را در خاک ژاپن نمی دهد.



## از هم گسیختگی اقتصادی و...

بقیما از صفحه ۱

های کلانی بچیب میزنند، و دولت تسهیلات و امکانات متعددی را در اختیار آنها قرار داده است تا بقول خودش تولید افزایش یابد. این زحمتکشان هستند که باید فشارهای ناشی از بحران را تحمل کنند، اکنون شرایطی پیش آمده است که با گذشت هر روز زحمتکشان میهن ما مدام در فقر و بدبختی بیشتر فرو میروند، اما شروتمندان، مدام ثروتمندتر میشوند. آیا آنچه که امروز جامعه ما و توده های زحمتکش با آن روبرو هستند، بیان چه چیزی جز اعمال سیاست های هیئت حاکمه می تواند باشد؟ سیاستی که در هر گام خود علیه خلق و بضع ضد خلق اعمال شده است. سیاستی که چیزی جز سرکوب زحمتکشان و جانبداری از سرمایه داران نبوده است و این مسئله را امروز نیز با شکارترین وجهی می بینیم. هرگونه اعتراضی که از جانب توده ها عنوان می شود یا بر چسب ضد انقلاب سرکوب می کنند و بر هرگونه اعتراض حق طلبانه توده ها مهر ضد انقلاب می کوبند. اما آیا برآستی ضد انقلاب چه کسانی هستند؟ آیا ضد انقلاب سرمایه داران و زمینداران تجار محتکر با زر و دولت خا می آنهاست یا توده های کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه؟ ضد انقلاب سرمایه

داران و مفت خورهای هستند که خود توده ها را بشیسه کرده و با استفاده از شرایط جنگ بیشترین سودها را می برند. ضد انقلاب دولت خا می آنهاست که زحمتکشان میهن ما را سرکوب می کنند. حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را از آنها سلب می کند و سیاست تشدید جوار ختناق و سرکوب نیروهای انقلابی روی می آورد. دولت جمهوری اسلامی که قادر نیست خود را از بحران موجود نجات دهد، بیش از پیش به سیاستهای سرکوبگرانه و ختناق روی می آورد تا مانع اوج گیری مبارزات و اعتراضات توده ها شود و این نتیجه اجتناب ناپذیر و محتوم سیاست حکومتها می است که بعضی دفاع از منافع خلق، از منافع سرمایه داران دفاع می کنند و هر چه پایگاه توده های خود را از دست میدهند، به تاکتیک سرکوب و فشار و ختناق متوسل می شوند. رویدادهای اخیر در شهرهای شمال که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان مبارز ما شده است، سرکوب خلق کرد، سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها، اینست مجموعه ای از سیاستهای سرکوبگرانه هیئت حاکمه که تنها راه نجات خود را در آن یافته است. اما بنظر میرسد که رویدادهای دو سال گذشته این درس را به رهبران جمهوری اسلامی آموخته باشد، که با سرکوب توده ها، با هر توسل به فشار و ختناق، مبارزه توده ها اوج خواهد گرفت. آنها باید بدانند که شرایط اقتصادی و سیاسی امروز ایران هرگز با آنها اجازه نخواهد داد که بتوانند دیکتاتوری عنان گسیخته خود را اعمال کنند.

صنایع ملی شود، و کنترل و نظارت کارگران و شورا های آنها بر تولید و توزیع معمول گردد و سرمایه داران صاحبان صنایع، بازرگانان، مالکین و غیره از سر توده ها کوتاه شود. اما ما بخوبی آگاهیم که دولت جمهوری اسلامی نه میخواست و نه میتواند است یک چنین سیاستی را دنبال کند و نتیجه آن نیز نمی تواند است چیزی جز تشدید بحران باشد. اما مسئله ای که از نظر ما مهم است تا شیر این بحران بر شرایط زندگی توده های زحمتکش و فشارهای است که بردوش کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه وارد می آید و بیش از پیش ابعاد فاجعه انگیزی بخود میگیرد. بر تعداد بیکاران مدام افزوده شده است، قیمت کالاها و نیازهای زندگی زحمتکشان با سرعتی باور نکردنی افزایش یافته است نه تنها بهبودی در زندگی و وضعیت اقتصادی توده ها حاصل نشده بلکه جنگ نیز بصورت عاملی دیگر در جهت فشار بر توده های زحمتکش در آمده است. با بروز جنگ و قطع درآمد های ناشی از نفت، دولت با گرفتاریها و مشکلات مالی روبرو شده است دولت به هزینه های هنگفتی برای خرید تسلیحات و دیگر هزینه های جنگی نیاز دارد و آهی هم در بساط ندارد. بنابراین در چنین شرایطی با ورشکستگی مالی روبرو شده است، سعی می کند، از طریق افزایش مالیاتهای غیر منتهی، هزینه های استهای ضد مردمی خود را بر سر دوش توده ها بیاندازد، و در واقع نیز چنین کرده است. در حالیکه سرمایه داران این الوهای مفت خور جامعه از شرایط بوجود آمده را می برند و سود



## کارگران فرش گیلان با اتحاد مدیرعامل تحمیلی را وادار به ترک کارخانه کردند

کارگران کارخانه فرش گیلان با برخورداری از تجربیات مبارزاتی و سلاح اتحاد و یکپارچگی توانستند در برابر مدیرعامل تحمیلی استان سوادکوه ایستادگی کرده و او را وادار به ترک کارخانه کنند.

مدیرعامل قبلی کارخانه فرش گیلان با ارائه مدرک توسط کارگران آگاه کارخانه اخراج شد و مدیرعامل جدیدی با نظر خود کارگران به کار گمارده شد. بعد از این جریان مسئولان استان کینه عمیقی نسبت به کارگران پیدا کردند و همواره در صدد بودند تا با توطئه و دسیسه چینی مدیرعامل انتخابی کارگران را عزل و یکی از دست نشانده های خود را به عنوان مدیرعامل جدیدی به کارخانه بفرستند.

مسئولان استان در ادامه این نیت ضدکارگری خود، با جلوگیری از راهپیمایی کارگران به مناسبت سالگرد مرگ طالقانی، مخالفت صریح و آشکار خود را با کارگران و نهائیتا شورای واقعی آنها نشان دادند.

سرانجام، استانداری گیلان موفق شد مدیرعامل منتخب کارگران را اخراج کرده و به جای وی شخص دیگری را به کار

قالیچه ای که تصویر آن چاپ شده است، هدیه ای است که بوسیله زنان کارگر هوادار سازمان بافته شده است.  
وفاداری و اعتقاد این رفقا، ایمان ما را به آرمان سرخ طبقه کارگر محکم تر و عزم ما را از اسختر میکند.

### قائم‌شهر (شاهی سابق)

## آگاهی و اتحاد کارگران مشت سرمایه داران را باز کرد

در جریان مبارزه ای که بیست و یک کارگران و سرمایه داران وجود دارد، اخیراً سرمایه داران جنگ را وسیله ای یافته اند تا با توسل به آن کارگران را بکار بیشتر واداشته و هرچه بیشتر استثمارشان کنند.

کارگران آگاه و مبارزان سیاسی شماره ۲ قائمشهر که به این امر واقف بودند، پس از اینکه مدیریت کارخانه آنها میخواستند که تولید را افزایش دهند تا ما زاد آن در اختیار جنگ زدگان قرار گیرد آنها بنا به تجارب سایر کارگران کارخانه های دیگر مثل بافکار - ارج و غیره بعد از این که می بینند مخالفتهاشان نتیجه ندادند و میگویند: "بسیار خوب ما جمعه را اضافه کاری میکنیم بشرطی که تمام تولیدات طریق نماینده واقعی ما بمناطق جنگی فرستاده شود".  
مدیران جمهوری سرمایه داران اسلامی که دیگر مشتشان با زنده بود از این اصرار خود صرف نظر میکنند.

## اخبار کارگری

گمارد مدیرعامل انتصابی استانداری در همان بدو ورود به کارخانه، اسامی چندتن از کارگران را با دداشت کرد تا به اصطلاح آنها را تنبیه کند. کارگران خواستار توضیح علت تعویض مدیرعامل شدند و او نتوانست پاسخ به سئوالات کارگران نداد، بلکه نتوانست به آنها حمله کرد.

مدیرعامل تحمیلی بی آنکه نقطه نظرات خود را پیرامون چگونگی تولید و تهیه مواد اولیه که تا آن موقع توسط شورای کارگران تعیین و تامین می شد بیان دارد، از محاسن و سجا یی اخلاقی و رفتاری، خودش سخن را ندکارگران تصمیم به اخراج او از کارخانه گرفتند و او را وادار به ترک کارخانه کردند. اما مدیرعامل تحمیلی ضمن ترک کارخانه تهدید کرد که مجدداً با استانداری گیلان و سپاهیان پاسدار برخورد کند.

کارگران کارخانه فرش گیلان با برخورداری از تجارب چند، به دلیل حضور همیشگی شان در مسائل مختلف مربوط به خود، توانستند یکبار دیگر یکپارچگی و اتحاد خود را نشان دهند.

\*\*\*\*\*

## بار دیگر نظام سرمایه داری زحمتکشی را به قربانی گرفت

باعث مرگش شد. حمله مسلحانه پاسداران به راننده تاکسی در رودبار.  
صبح روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه پاسداران رودبار یک تاکسی در حال حرکت را به رگبار بستند و راننده آنرا پس از ضرب و شتم به رشت منتقل کردند. علت حمله و ضرب و شتم این راننده این بود که به دستگیری یک عنصر انقلابی توسط پاسداران اعتراض کرده بود. پاسداران سرمایه راکه از رشد آگاهی توده ها می ترسند به خشم آورده بود.

روزی شنبه بیستم آبان در کارخانه کفش ملی رودبار، کارگری بنام ایرج درحین تعمیر موتور چاه کارخانه، به داخل چاه سقوط کرد و خفه شد. همچنین سه تن از کارگران که برای بالا آوردن ایرج از چاه اقدام کرده بودند دچار گاز گرفتگی و مسمومیت شدند. براساس گفته های کارگرانی که شاهد مرگ کارگر همکار خود بودند، علت مرگ وی، نبودن وسایل و امکانات ایمنی بوده است که از ضروری ترین وسایل کارگر می باشد، ایرج مجبور بوده با طناب پوسیده به داخل چاه برود و همین مسئله

## ۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

## "ضد امپریالیستها" به یاری امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱۶

پروژه امپریالیستی احداث مجتمع پتروشیمی بندرخمینی (بندر شاهپور سابق) توسط شرکت مختلط ایران - ژاپن، یکی از عظیمترین نقشه‌های ملی بود که در زمینه صنایع تولیدی توسط رژیم وابسته شاه طراحی شد. این طرح لقمه بزرگی بود که از سفره غارت منابع ملی مردم زحمتکش ما نصیب امپریالیسم ژاپن شد.

امپریالیسم ژاپن برای این طرح چنان اهمیتی قائل بود که آن را یک "طرح ملی" نامید و برای درک اهمیت آن از نظر ژاپن باید به سخن سرپرست وزارت برنامهریزی اقتصاد ژاپن توجه کرد که می‌گوید: "انجام این قول، یعنی انجام طرح مجتمع پتروشیمی، همچنین پیشبرد و اجرای دیپلماسی دولت ژاپن را در داخل و خارج از آنتر می‌کند." (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ آبان ۵۹) اما اهمیت طرح پتروشیمی بندرخمینی در چیست؟ با احداث این مجتمع یکی از کارخانه‌های عظیم تولیدات پتروشیمی بوجود خواهد آمد که ۲۵۰۰ نوع محصول تولید می‌کند و محصولات آن ۵ تا ۱۰ درصد نیازهای بازار جهان را تامین می‌کند. هزینه اجرای این طرح در ابتدا ۸۰۰ میلیون دلار و سپس ۱/۶۰۰ میلیارد دلار (دو برابر) و سپس ۳۳۰۰ میلیون دلار برآورد شده و علت تاخیر و تطویل مذاکره در انعقاد قرارداد، یکی گران بودن مبلغ پیشنهادی ژاپن و دیگری توافق بر سر قیمت ترجیحی ارزان برای نفت و گاز مورد مصرف این مجتمع بود. سرمایه شرکت به نسبت مساوی بین ایران و ژاپن تقسیم می‌شود و طرف ژاپنی قرار داد (شرکت میتسوئی) به لحاظ

حجم سنگین سرمایه و مشارکت بانکهای بزرگ ژاپنی، دولت ژاپن را وادار به تضمین سرمایه‌گذاری خود کرده است. با تحقق این طرح ژاپن خواهد توانست یکی از منابع مهم مواد اولیه را در اختیار خویش بگیرد و سهم مهمی از بازار جهانی پتروشیمی را در انحصار خویش آورد. خودرعیین حال با صدور سرمایه، سود کلانی از طریق فروش ماشین آلات و تکنولوژی و حق امتیاز (لیسانس) و سپس علاوه بر اینها، با فروش مواد ساخته شده، به چنگ آورد. به این ترتیب شرایط مساعدی برای انباشت سرمایه امپریالیسم ژاپن فراهم می‌گردد. به این دلایل اگر امپریالیسم ژاپن در ادامه اجرای طرح اصرار داشته باشد، جای شگفتی نیست، همینطور که از نظام وابسته سرمایه‌داری شاهنشاهی نیز جزایین انتظاری نمی‌رفت که منابع ثروت زحمتکش را به غارت دهد. سؤال اینجاست، که چگونه حکومت اسلامی که از مبارزه با امپریالیسم سخن می‌گوید با اصرار خواهان اتمام این

مجتمع است؟

بدون تردید یک سیاست اقتصادی اصولی ایجاب می‌کند که منابع نفت و گاز عوض این که به صورت مواد خام صادر شوند، به صورت مواد ساخته شده سوختی و غیر سوختی، برای مصرف داخلی و بازار خارجی درآیند. اما در این هم تردیدی نیست که نه امپریالیسم ژاپن و نه سرمایه‌داری وابسته ایران هیچ یک خاطر خواه منافع زحمتکشان ایران نبودند. نفع سرمایه داران نمی‌تواند با نفع کارگران همسوا باشد.

امپریالیسم ژاپن که در بازای قدرت انحصارهای نفتی، نقشش مقهور را پیدا کرده و مجبور بود از "دستورات" هفت خواهران نفتی تمکین کند، از طریق این پروژه عظیم پتروشیمی می‌تواند قدرت امپریالیستی خویش را اعتلا دهد و تا حدی موضع خود را در رقابت‌های امپریالیستی تقویت سازد.

تا آستانه قیام بهمن ۵۷، حدود ۸۰ درصد از کارهای تأسیساتی شرکت انجام شده بود و ژاپنی‌ها که برای این طرح حدود ۶۰۰۰ کارگر و کارشناس در ایران داشتند.

بدون شک عده کثیری از این ژاپنی‌ها کارگر ساده بودند و در عین حال هیچ طرحی برای انتقال دانش فنی به ایرانیان وجود نداشت و وابستگی به کارشناسان ژاپنی، از اجزای این طرح بوده است.

از آخرین اخبار راجع به این بود که ایران را ترک کردند. یک مقام ژاپنی در بهمن ۵۷ اعلام کرده بود که مطمئن هستند که این طرح در هر دو صورت مورد علاقه دولت آینده ایران خواهد بود و در صورتی که ایران به علت مشکلات سیاسی قادر به تأدیه سهم خود نباشد، حاضرند عیالنا سهم مربوطه را تقبل کنند و (سپس چگونه پس بگیرند؟). حق با این مقام ژاپنی بود، زیرا یکی از نخستین ملاقات‌های خارجی دولت بازرگان با مقامات ژاپنی همین شرکت ایران - نیپون بود و طی این ملاقات به ژاپنی‌ها اطمینان داده شد که ایران به اجرای پروژه علاقه‌مند است.

البته عظمت مبالغی که تا آن هنگام توسط ژاپنی‌ها صرف شده بود. (حدود ۱/۵ میلیارد دلار) آنقدر بود که علاقه‌ونگرنی آنها را توجیه می‌کرد. در اینجا از طرح بین‌سئوال سیاسی - اقتصادی می‌گذریم که ژاپنی‌ها چرا مطمئن بودند که دولت نماینده اجرای طرح را دنبال خواهد کرد؟

به هر حال سیر وقایع نشان می‌دهد که دوران اندیشی و یا میدواری اجتناب‌ناپذیر ژاپنی‌ها مفید از کار درآمده، زیرا هم دولت "لیبرال" مهندس بازرگان و هم دولت "متعهد" رجائی، اصرار دارند که این مجتمع احداث شود و تکمیل گردد. از قرار معلوم به نظر اینان ژاپن یک حکومت خوش قلب "آسیائی" است که نیسات خیرخواهانه دارد و نیاید آنسرا در امپریالیسم جهانی جای داد (هرچند که در مبارزه با سرمایه‌داری لیست‌ها نیز رفته رفته معلوم می‌شود که سران حکومت گله دارند که چرا آنها این حرف‌ها را

جدی گرفته‌اند و حاضر نیستند به شرایط قبل از مبارزه "ضد امپریالیستی" - یعنی گروگان‌گیری - بازگردانند) و برای بعضی از مقامات حکومتی (نظیر مهندس نعمت زاده و وزیر صنایع و معادن ژاپن بهترین نمونه خود کفالتی و استقلال اقتصادی است) (مضمون سخن ایشان در مصاحبه با تلویزیون، روز ۵۹/۹/۲).

با این شرح معلوم می‌شود که دولت جمهوری اسلامی نه تنها نمی‌خواهد وابستگی را از بین بردارد، بلکه قدم‌های جدی در جهت وابستگی اقتصادی به امپریالیسم جهانی برداشته است. نکته جالب توجه این است که در این

مورد و موارد مشابه، مهمترین منبع اطلاعاتی مردم را نوشته‌های منابع غربی - ژاپنی تشکیل می‌دهد و این حکومت نظیر حکومت پیشین، مردم را لایق اعتنا و اطلاع‌نهی‌اند و از طریق مقامات حکومتی به ندرت اطلاعاتی از جریان امر به مردم داده می‌شود و مثلاً هنوز که هنوز است جزئیات این طرح فاش نشده و فی‌المثل توضیح داده نشده که چرا ظرف ۳ - ۴ سال هزینه‌های اجرای طرح از ۸۰۰ میلیون به ۳۳۰۰ میلیون دلار افزایش یافت. در هر حال همه چیز هنوز زیر پرده‌ای از ابهام مخفی است.

یکی از نکات مبهم این است که از ۳۳۰۰ میلیون دلار هزینه‌های احداث مجتمع مذکور، سهم ژاپن حدود ۱/۵ میلیارد دلار می‌شود ولی آسوشیتد پرس در ۲۰ بان خبر می‌دهد که شرکت ژاپنی میتسوئی عهده‌دار اجرای طرح در صورت خروج از این کارگاه است. مطرح نیست و تکذیب می‌شود) ۷/۵ میلیارد دلار زیان می‌بینند و دولت ژاپن ۹۰ میلیون دلار.

در هر حال پس از ماجرای گروگان‌گیری و اعلام امپریالیستها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دایر بر تحریم و محاصره اقتصادی ایران، ژاپن نیز به پیروی از بقیه خود را متعهد به اجرای این تحریم می‌آید و در ۱۰/۶/۵۸ اعلام می‌شود که ژاپن نیز به حمایت از آمریکا ایران را نیز تحریم می‌کند (به نقل از رویترز) و در ۲۰/۲/۵۹ اعلام می‌گردد که ژاپن در تدارک مرحله دوم تحریم اقتصادی ایران است. در همین یگرودار که آیت‌الله خمینی معتقد بود "با پیدایش حصار اقتصادی را جشن بگیریم" وزیر نفت وقت، آقای معین فردر ۳۰ دی ۵۸، به ژاپنی‌ها هفته مهلت می‌دهد تا تصمیم بگیرند که طرح را دنبال کنند و الا این کار به دیگران واگذار خواهد شد و در پایان مهلت مقرر ژاپنی‌ها تسلیم می‌شوند (ا) و رویترز از توکیو خبر می‌دهد که تا ۲۰ روز دیگر ۱۰۰ مهندس ژاپنی عازم ایران خواهند شد که کارهای ساختن نیروگاه را دنبال کنند. بدین ترتیب ژاپنی‌ها با دست پس می‌زنند و با پایش می‌کشند، هم در محاصره شرکت دارند و هم در ساختن مجتمع عظیم پتروشیمی و این خود یکی از مظاهر درگیری‌های درون امپریالیستی است. و به همین لحاظ یک مقام عالی‌رتبه دولتی ژاپنی در ۲۲ بهمن ۵۸ با دلخوری اظهار می‌دارد که "ایالات متحده آمریکا با ایدخسارات اقتصادی وارده از تحریم اقتصادی ایران، بخصوص دو عدد پروژه مشترک ژاپن و

بقیه در صفحه ۱۲

# درباره تبلیغ و نقش آن

است . در این راه باید تمامی روشها و شیوه های متفاوت تبلیغ را بشکلی خلاق بکار گرفت . هرگاه شیوه های متفاوتی چون چاپ و نشرکتب نشریات ، اعلامیه و تراکت ، تکثیر و توزیع آثار سازمانی ، تهیه و نصب پلاکاردها ، شعارنویسی ، تهیه و توزیع نوارهای انقلابی و آموزشی ، متینگ های موضعی ، تبلیغ شفاهی و ... را در نظر بگیریم به وسعت و انعطاف پذیری امکانات تبلیغ پی ببریم .

## تبلیغ تنها در راه است و در راه ها هنی می یابد

انتخاب روش تبلیغ و همچنین بکارگیری صحیح آن در رابطه با تحلیل مشخص از شرایط و جو حاکم بر محیط و توده ها اهمیت بسزایی دارد (که در این مورد مفصلاً سخن خواهیم گفت) اما همواره باید این نکته اساسی را در نظر داشت که تبلیغ فقط در رابطه با توده ها معنی می یابد . به همین دلیل برای یافتن درکی مشخص تر و ملموس تر از این مسأله باید ابتدا لایه های متفاوت توده ها را بشناسیم . لنین در رابطه با کارگران به تعریف سه لایه متفاوت می پردازد . او میگوید :

"تا رنج جنبش طبقه کارگر در همه کشورها نشان میدهد که آن لایه هایی از طبقه کارگر که از تعلیم و تربیت بهتری برخوردارند در مقابل ایده های سوسیالیستی سریع تر و آسانتر واکنش نشان میدهند . کارگران پیشرو ... بطور عمده از میان همین لایه ها برمی خیزند . کارگرانی که میتوانند اعتماد کامل توده های زحمتکش را جلب کنند ، کارگرانی که خود را تماماً وقف آموزش و سازماندهی پرولتاریا میکنند ، سوسیالیست را آگاهان می پذیرند ، وحتى خود مستقلانظریه های سوسیالیستی تدوین و ارائه میکنند . " پس از قشرا ز نظر عددی کوچک کارگران پیشرو و قشر وسیع کارگران

پناه برده اند و تقویت و تحکیم مواضع آنرا تبلیغ میکنند . در چنین شرایط بحران نیروها یا انقلابی تنها با اتخاذ تاکتیک تعرضی قادر خواهد بود توده های وسیعی را که سرعت از حاکمیت جدا میشوند در زیر پرچم خود بسیج نماید و فقط در شرایط نبود چنین اپوزیسیون منسجم و عده متخا ذتاکتیک تعرضی است که لیبرالها با وانمود کردن خود بعنوان اپوزیسیون (و نه جناحی از حاکمیت) و بکارگیری روشهای تهاجمی سعی در جذب این اقشار وسیع دارند .

این چشم انداز بشکل روشنی وسعت و عمق نیروهای مترقی را بیان میکند . در این میان سازمان و تمامیه رفقای هوادار نقشی بس مهم و تاریخی بعهده دارند . ما باید سرعت روزافزونی توده های ملت را با اینکار تمام برای هدفهای عالی خویش آماده و مستعد نماییم . سرعت روزافزون وقایع و حوادث و لزوم برخورد فعال و همه جانبه در رابطه با آن باعث گشته تا ضعف حاکم برجانبش چپ در زمینه تبلیغ بشکلی بارز تر نمود پیدا بد . ما باید با افشاگریهای وسیع و بیامان خودنهی تنها ما هیت حاکمیت را هر چه بیشتر در نزد توده ها عیان کنیم ، بلکه باید با تمام نیرو و بکوشیم تا ما هیت ضد خلقی و وابسته لیبرالها و محافظ و وابسته به بورژوازی بزرگ را نیز در نزد توده ها افشاء نماییم . ما باید در هر کجا و به هر وسیله برای توده ها توضیح دهیم که "شق ثالثی وجود ندارد یا پیروزی نیروی انقلابی یا دیکتاتوری نظامی و شبه نظامی" (کار ۸۵) در این سواستقلال ، گاو مسکن ، و آزادی دوسوی دیگر وابستگی به امپریالیسم استثماریشده ، بیکاری ، فقر ، کمبود گرانی ، نبودن مسکن و ما یحتاج اولیه و سرکوب و اختناق قرار دارد .

رفقا! اینک ما بیش از هر زمان دیگر در قبال خلق و طبقه کارگران و در مقابل تاریخ مسئول و موظفیم . انجام تمام این وظایف مقدور نیست مگر با بکارگیری تمامی نیروها و وسایلی که ما می توانیم استعدادهای و ابتکارها را مگر با کار بردن وقفه و شبانه روزی مگر با مبارزه ای جان برکف ، پیگیر و خستگی ناپذیر آنچنان که شیوه فدائیان خلق

"امروز روز مبارزه است ، جوانان دانشجویان و همینطور به منتهای مراتب کارگران جوان ، باید به مبارزه جدی و تلاش دائمی تصمیم بگیرند . از قیود افکار کهنه و ارتجاعی رها شوید ... افراد با ایمان و فعال را در کمیته های خود گردآورید . کمیته های فرعی مطبوعاتی را و ادارات نشر و دوین جزوات چاپی نمائید . اگر اشتباهی هم نمائید چندان مهم نیست . مادر " و پریود " (۱) آنرا تصحیح می نمایم . ما باید با سرعت روزافزونی تمام خلق را با ابتکار انقلابی متحد کرده و بکار واداریم . شما از بی اطلاعی آنها از اصول تربیت و تجربیات لازم نا امید و هراسان نباشید . زیرا اگر نتوانید آنها را متشکل و متحد نموده و بکار وادارید به منسویک ها و گاپو ملحق میشوند که این خود ضررش پنج بار بیش از عدم تجربه آنهاست . (لنین - نامه - با گدانفواس - گوسف - فوریه ۱۹۰۵)

رفقا! روزهای حساسی از مبارزات خلق فرا میرسد . همانطور که در سرمقاله نخریه کارشماره ۸۵ طرح کردیم ، " چشم انداز یک بحران ژرف " در پیش روی ما گذرده است . توده های ملیونی کدر افروختگ بر سرعت فروریختن توهماتشان نصیب به حاکمیت افزوده شده است با سرعتی شگفتی و اورپشتیبانی خود را از حاکمیت بورژوازی بر میگیرند . موج وسیع توده ها که از حاکمیت کنده میشوند در شرایط نبود آلترناتیوی انقلابی و نیرومند ، زمینه مساعدی را برای ترکنازی و جولان لیبرالها و محافظ و وابسته به بورژوازی بزرگ (که اینک عمدتاً " در عمل سعی دارند خود را در صفی پشت سر لیبرالها به رهبری بنی صدر مشکل گردانند ) مهیا نموده است . از سوی دیگر پورتونیستها که با خیانت خویسه جنبش طبقه کارگر ضریات سهمگین را بر بیکراپوزیسیون انقلابی وارد آورده اند و مسلماً " سهم بسزایی در نبود آلترناتیوی مترقی در مقابل حاکمیت دارند اینک از ترس رشد و قدرت گیری لیبرالها و روی آوردن توده ها بسوی آنان به دام جناح دیگر از بورژوازی

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بقیه در صفحه ۶

بقیه در صفحه ۵

متوسط فرار دارند. این کارگران هم با حرارت بخار سوزان می‌کنند و در محفظه‌های مطالعاتی کارگران شرکت میکنند. روزنامه‌ها و کتابهای سوسیالیستی را میخوانند، در کار تبلیغی شرکت میکنند، و با قسری فقط از این لحاظ تفاوت دارند که آنها نمیتوانند بصورت رهبران کاملاً مستقل حساب شوند. سوسیال دموکراتیک طبقه کارگر در آید. تا آخره پس از لایه کارگران متوسط، بوده‌ای فرار دارند که لایه‌های پایین تر و لایه‌ها را تشکیل می‌دهد.

(لنین - گرایش فقه‌رایی در سوسیال دموکراسی روسیه) (تاکید از ما ست)

در همین رابطه سایر اقسام خلق نیز دارای لایه‌های متفاوتی می‌باشند. سیاست تبلیغاتی و شیوه‌های اتخاذ شده جهت پیشبرد امر تبلیغ، در وجه عمده خود در رابطه با همین لایه بنسبتی‌ها تعیین می‌شود. مثلاً رفیق هوادار یکی در یک شهرک کارگری با زحمات بسیار بساطی برای فروش کتاب تاسدارک می‌بیند، هرگاه می‌داند که به فروش کتب کلاسیک و یا برخورد با ایدئولوژی یک نماینده زحمات خود را بر یاد داده ولی همین رفیق میتواند با فروش کتب آموزشی کارگران، متون بزبان ساده، نوارها یا نقلاتی و آموزشی به تبلیغ خود بپردازد و همین است فعالیت رفقا و گروههایی که در مناطقی اعیان نشین شهرت دارند پیش سوی تشکیل حزب "ویا" تا بودا بتوانند ضد کارگری را می‌نویسند یا رفیقی که در محله خزانه شهرت ندارد پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک را نوشته است. انتخاب مناسب شعار بر حسب اوضاع و احوال طبقات ساکن در محلات و همچنین دست چپ کردن دقیق کتب و جزوات برای فروش همواره کمک شایسته موفقیت تبلیغ می‌نماید.

ارگان سازمان محور فعالیت تبلیغی

در رابطه با فعالیت سیاسی باید نقش و عملکرد دقیق هر ارگان زوهر سرب را بازشناخت. مثلاً سازمان دارای یک ارگان مرکزی است که این ارگان "با بدسطح کارگران پیشرو باشد" بصورتی که حتی "کارگر متوسط برخی از مقالات آنرا درک نخواهد کرد و مطالب آن" بطور کامل یا تقریباً "برای لایه‌های پایین پرولتاریا غیر قابل درک است".

"روزنامه‌ای که میخواهد ارگان کلیه سوسیال دموکراسی روسیه بشود با بدسطح کارگران پیشرو باشد. این روزنامه‌ها تنها با بدسطح خود را بطور ساختگی و تصنعی با بیس

درباره تبلیغ و نقش آن

آورد بلکه بالعکس باید این سطح را بطور دائم بالا برد. باید تمام مسائل تاکتیکی، سیاسی و تئوریک سوسیال دموکراسی جهان را تعقیب کند. تنها در آن هنگام خواسته‌های روشنفکران طبقه کارگر برآورده خواهد شد و این روشنفکران خود امر کارگران روسیه را و نتیجتاً امر انقلاب روسیه را دست خویش خواهند گرفت.

(لنین - گرایش فقه‌رایی در سوسیال دموکراسی روسیه - تاکید از ما ست) مشخص است که برای کارگران متوسط و بخصوص برای لایه‌های پایین پرولتاریا باید اشکال گوناگونی از تبلیغ و ترویج تدارک دیده نمود تا بر آن نیاز لازم را ببندد. در رابطه با این اشکال گوناگون تبلیغ و ترویج ارگان سازمان نقش محوری و هادایت کننده را دارد. باید تمام تبلیغات حول سیاستها و خط مشی ارائه شده در ارگان، سازمان یا بد.

بعنوان مثال رفقای که میخواهند در یک کارخانه در جهت بسیج و تشکیل کارگران حرکت کنند، با مطالعه دقیق سیاستها و اتخاذ شده در ارگان "کار" خط حرکتی برایشان مشخص میشود. فرضاً در رابطه با مبارزات کارگران سعی می‌کنند با شرکت هر چه فعالتر، در عین سازماندهی و برنامهریزی بین حرکات در جهت تحقق خواسته‌های مشخص و کوتاه مدت، این مبارزات را در مسیر تشکیل و تقویت شوراهای واقعی کارگران سوق دهند. یا هنگامی که مساله "تشکیل کمیسیون تحقیق برای انشاء سیاستهای ضد کارگری کارفرمایان طرح میشود، تمام رفقای که با چنین مورد مشخصی در محیط کار خود برخورد دارند، مشخصاً در جهت تبلیغ این موضوع و تشکیل بین کمیسیون حرکت میکنند.

هنگامی که در مقطعی مساله سرکوب و اختناق توسط حزب جمهوری اسلامی عمده می‌گردد و این مساله در تمام وجوه ارگان به عینه دیده میشود، رفقا نیز در محیط خود سعی می‌کنند تا نمونه‌های منحصی از چنین سرکوب و اختناق و فشاری را به بهترین و سریعترین صورت افشاء نموده حول آن تبلیغ کنند. و با اینک که مساله جنگ عمده

کنند است و این عمده بودن در تمام فعالیتات و سوسدهای "کار" بدحسب می‌خورد و وظیفه تمام رفقا است که محور عمده حرکت و تبلیغات خود را بر توسعه علل، نتایج و مصائب جنگ و سیاستهای مادر قبالت آن قرار دهند. در این رابطه روس است ارگان "کار" در عین اینکه در موارد متعددی میتواند در تسلیح نیروی دایم باشد، در عین اینکه مطالب متعددی از آن میتواند توسط رفقا تکثیر و در بین نوده‌ها توزیع شود اما در وجه عمده خود نقش یک محور و یک خط هادایت کننده را برای رفقای هوادار لایه پیشرو سازی می‌کند.

علاوه بر محور فرار داد در سیاستهای تشریح "کار" یکی از مهمترین وظایف تمام رفقا، در هر مرحله که به فعالیت مشغولند این است که مقالات، اخبار و مطالب مختلف نشر بد که در سطح لایه پیشرو است و تا حدودی برای لایه متوسط و عمدتاً برای توده کارگران روز حمتکشان قابل درک نیست. را مناسب با شرایط محیط انتخاب نموده آنرا منطبق با فرهنگ توده‌های محل ساده نویسی نمایند (و حتی با مثالهای مناسبی از وقایع محلی یا میزبان این کشور بخصوصی مناسبی که دارای لایه‌های متفاوت هستند بسیار ضروری و مهم است.

تبلیغ محلی

"روزنامه‌ای که توده‌ها خوانده‌اند آن کارگران متوسط هستند باید... سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را با هر مساله محلی و محدودی مرتبط سازد" همچنین در رابطه با لایه‌های پایین پرولتاریا و سایر حمتکشان "باید اشکال گوناگون تبلیغ و ترویج تدارک شود... جزوه‌هایی که بزبان عام فهم‌تر نوشته شده باشد، تبلیغ شفاهی و عمدتاً بیابیه‌ها و اوراقی برآمده از رویدادهای محلی..."

(لنین - همانجا تاکیدها از ما ست) در اینجا است که وظیفه سنگین هواداران مشخص میشود. تهیه بیابیه‌ها و اوراق - پیرامون رویدادهای محلی، و مرتبط ساختن سوسیالیسم و مبارزه سیاسی با هر مساله محلی اینها تماماً وظایفی است که امکان تحقق آن فقط در خود محل میسر است. وظیفه تبلیغ است که هر اتفاق روزمره و ملموس برای توده‌ها را به سریعترین صورتی به زمینه‌ساز عدی برای تبلیغ و مرتبط ساختن آن با سوسیالیسم و مبارزه سیاسی بدل نماید. تبلیغ لازم است تا هر مورد تظاهرات افراد خونیت پلیس و ظلم و ستم ما مورین رسمی را با مفهوم دقیق "آزاستیدا در بسوط سازد" (لنین - همانجا) مثلاً اگر در اصفهان تظاهرات مسالمت آمیز کارگران بیکار با سرکوب وحشیانه پاداران مواجه میشود، اگر بیابیه‌های فالانژیبه تجمع معلمین مبارز اخراجی حمله میکنند، اگر

بقیه در صفحه ۸

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

# دهقانان ترکمن صحرا همچنان از شورا و کشت جمعی دفاع می کنند

حاکمیت وزمینداران در روستای قزلبه پشمک، اخیراً حرکات تازه ای برای باز پس گرفتن زمین های مصادره ای از دیگر روستائیان ترکمن صحرا، توسط عاملان دولت و فتودا لها در دهات این منطقه، آغاز شده است. که چند نمونه را می خوانید:

■ شورای دهقانی روستای "قوچمراد" توسط اهالی انتخاب شده است. اما حدود سیصد و پنجاه هکتار از زمین های این روستا را "بنیاد مستضعفین" به خود اختصاص داده است.

■ در روستای "سلاق قولجته" به رغم خواست شورای دهقانی تقریباً سیصد هکتار زمین با وسایل کشاورزی را "بنیاد مستضعفان" تصاحب کرده است.

این بنیاد دو بیست هکتار از زمین های مصادره شده روستائیان روستای "یاسه تپه" را نیز باز پس گرفته است. غفاری یکی از مالکان منطقه به روستا مراجعت کرده و از اهالی خواسته که زمین های او را پس دهند تا او در مقابل یکی از روستائیان بنام "اویچی" را از زندان آزاد کند! اما اهالی ده به حرف های او اعتنائی نکردند.

■ در "ایگدرسغلی" نیز حدود ۵۰ هکتار زمین (باغ سیب) را بنیاد با مقداری وسایل کشاورزی - کمباین و تراکتور - از زحمتکشان روستا گرفته است.

افزون بر اینها زیر لوای مبارزه با قاچاقچیان، گروهی با عنوان گروه ضربت به تجسس مشغولند، تا نیروهای انقلابی را شناسائی و سرکوب کنند. و در این رابطه از هیچ عملی فروگذار نمی کنند.

■ در روستای پاسک گالیکش بر اثر نفاق افکنی های هیئت هفت نفره، بین سیستانیهای مقیم ترکمن صحرا و ترکمن ها - درگیری روی داد که متأسفانه یک تن کشته و چند تن زخمی در پی داشت. از آنجا که اهالی چنین کشمکش هایی را ناشی از سیاست های تفرقه افکنانه و ضد خلقی حاکمیت می دانستند، به همراه گروهی دیگر از زحمتکشان منطقه، دست به یک راهپیمائی زدند و علیه سیاست های هیئت هفت نفره شعار دادند.

\*\*\*\*\*

سرکوب دهقانان زحمتکش روستا های ترکمن صحرا، با همدستی پاسداران و فتودا لها همچنان ادامه دارد.

پس از قیام، دهقانان زحمتکش روستای قزلجه پشمک گنبد، مانند سایر دهقانان محروم منطقه ترکمن صحرا زمین های زمینداران بزرگ از جمله زمین های غاصب و فتودال بزرگ، محمد قاری بی را مصادره انقلابی کردند، و زیر نظر ستادشوراها به گونه ای شورا ئی آنرا کشت میکردند ولی پس از جنگ تحمیلی ۱۹ بهمن سال گذشته که هیئت حاکمه ستادشوراها، این سنگر زحمتکشان علیه امپریالیسم را غیر قانونی اعلام کرد، و چهار تن از بنیان گزاران و رهبران آنرا به طرور نا جوانمردانه ای ترور کردند، و نیروی های انقلابی را تحت تعقیب و بازداشت و شکنجه و زندان قرار دادند، یورش عوامل حکومت به روستاها و ایجاد محیط رعب و وحشت، به منظور از هم پاشیدن شوراها و گرفتن زمین های مصادره ای از دهقانان، به شدیدترین وجه آغاز شد. از جمله روستاهائی که مورد هجوم عوامل حکومت و زمینداران بزرگ واقع شد، همین روستای "قزلجه پشمک" بود.

ابتدا شورای این ده توسط پاسداران ملغی اعلام شد و خودشان شورای دیگری ایجاد کردند، بعلاوه در نظر داشتند از سیستانیهای اهل روستای دیگری به نام (اسلام آباد) برای کشت در حدود ۲۰۰ هکتار زمین به صورت مزدوری بهره بگیرند، که روستائیان مقاومت کردند. چند روز بعد از عضویت شورای دهقانی را که برای گرفتن روغن به شهر آمدند دستگیر کردند. مردم با اعتراض و مقاومت، افراد دستگیر شده را آزاد کردند.

با فرار سیدن فصل کشت دهقانان زمین را تا ماهه ساختند و در روز بیست و دوم آبان برای کاشتن گندم به زمین رفتند سه تن از اهالی روستا توسط پاسداران گنبد و گروه ضربت مینودشت دستگیر شدند. پاسداران قصد داشتند زمین ها را بنام خود کنند و نیز میخواستند گاو آهن، تراکتور و کمباین را هم با خود ببرند، که با مقاومت و اعتراض شدید و یکپارچه اهالی روستا مواجه شدند و بی آنکه در هیچ کدام از نیات خود موفقیتی کسب کنند، مجبور به ترک زمین شدند.

روستائیان ترکمن صحرا اکنون بیش از پیش از حاکمیت ناراضی هستند و مصمم تر، خواهان کشت شورا ئی اند، به جز اقدامات ضد دهقانی عوامل



گزارشهای روستائی

## بندوبست بخشدار "ماسال" با دلالتان محلی

در پی اغتلا بخشدار "ماسال" مبنی بر اینکه کشت و ورزان منطقه، کمیخواستند محصول خود را برای فروش به بازار بیاورند، حق ندارند آنرا به خریداران غیر بومی بفروشند، بسیاری از کشت و ورزان محصول خود را به بازار عرضه نکردند و برخی دیگر از آنها بعلت نیاز مبرم به پول تا کزیر محصول خود را با قیمت نازل به دلالتان بومی فروختند. کشت و ورزان که در پی علت این بخشنامه بودند بعد از مدت کوتاهی در یافتند که این اغتلا بخشدار برخلاف بندوبست و با دلالتان محلی بوده است.

## بازگشت پاسداران به ماسوله

در پی راه پیمائی مردم ماسوله علیه پاسداران در شهریور ماه سال جاری، پاسداران مجبور شدند برای مدتی از ماسوله خارج شوند. اما در شب جمعه ۲۳ آبانماه، در نیمه های شب مردم با خیرشده که پاسداران مجدداً به شهر برگشته و در همان بدو ورود به اصطلاح با زار را "پاکسازی" کردند و با بهره کردن اعلامیه ها و افشاگریهای نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی ورود دوباره خود را به شهر اسلام داشتند و در دو مورد مجدداً پاسداران به شهر که همراه با حرکات ضد دمکراتیک و فاشیستی همراه بود، ناراضی مردم را برانگیخت و موجب اعتراضات مجدد شد.

\* \* \*

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

بقیه از صفحه ۶

صف سیگار رویا روغن در محله ای از سوی پاسداران مورد یورش قرار میگیرد. و هر مورد دیگر از "تظاهرات انفرادی خشونت پلیس و ظلم و ستم ما مورین رسمی با بند توسط تبلیغ با "مفهوم دقیقی" از دیکتاتور مرتبط شود زیرا "توضیح این قضیه که سه کارگران در معرض ستم سیاسی قرار گرفته اند کافی نیست (همانطور که تنها توضیح این قضیه که منافع آنان با منافع آریبان مابینت دارد کافی نیست) با دیدن باره هریک از مظالم شخص این ستمگری تبلیغ نمود (همانطور که ما در مورد مظاهر شخص تعدیات اقتصادی به تبلیغ مبادرت نمودیم) (لنین - چه باید کرد؟ - تا کید آخر از ما ست) با دیدن فعالیت پیگیری در مورد یک یک نمودهای مشخص روابط ظالمانه سرمایه داری وابسته چه در زمینه اقتصادی و چه در مورد ستم سیاسی به تبلیغ وسیع پرداخت. زیرا توده ها فقط در "تجربه عملی خود است که به ما هیت واقعی بورژوازی پی میبرند و صحت گفتار کمونیست ها را درمی یابند. با دیدن تمامی کوشش خود را بکار گیریم تا اشخاصی که فقط از مشکلات روزمره خود، از وضعیت ادارات، فشار روزافزون زندگی، گرانی، صفو... ناراضی هستند به ارتباط مستقیم تمامی این مشکلات و مصائب با کل سیستم سرمایه داری وابسته واقف شوند. لنین میگوید: "ما اگر میخواهیم دمکراتهای پیشرو را بشیم باید هم ما را مصروف آن باشد که فکر اشخاصی را که فقط از انتظارات دانشگاهی یا فقط از "مستواها" (۳) و غیره ناراضی هستند به پیچ و پوی مصرف بودن تمام این نظم سیاسی سوق دهیم.

(لنین - چه باید کرد؟ - تا کید از ما ست) بهمین دلیل "کمونیستها باید توجه زیادی به مسائل واقعی زندگی طبقه کارگر نمایند. آنها باید به کارگران کمک کنند که به درک صحیحی از این مسائل برسند. آنها باید توجه کارگران را به آشکارترین سوءاستفاده ها معطوف نموده و آنها را یاری دهند که خواستهای خود را بشکلی عملی و مختصر فرموله کنند" (کمینترن - اصول تشکیلات حزب - تا کید از ما ست) زمانی که آوارگان جنگی در معرض بی خانمانی و عدم تامین اوراق و هزاران گونه توهین و فشار و ضرب و شتم قرار می گیرند، زمانی که توده های مردم در عین دست بگریبان بودن با گرانی و کمبود اوراق و ما بحتاج عمومی مجبورند ساعتها از وقت خود را در سوز سرما در داخل صفها بایستند، زمانی که دانش آموزان در قبال خواستهای صنفی خود و حتی بخاطر ورزش صبحگاهی سرکوب و تهدید به اخراج می شوند، زمانی که کارگران در عین تحمل تمامی فشارها و مصائب ناشی از بحران و جنگ به اجبار به اضافه کار و ریاضت فرسایش و کشنده و ادار می شوند، زمانی که بر اثر عدم تامین کود، بدروسوم لازم نبودن آب کافی تمامی هستی کشاورزان بخطر می افتد، وظیفه ما است که با تبلیغ خود به آنان کمک

# در باره تبلیغ و نقش آن

کنیم تا ارتباط مشخص موجود بین این مسائل و "پوچ و بی مصرف بودن نظم سیاسی" موجود را درک کنند. تمام رفق با دیدن دقیقاً در نظر داشته باشند که وظیفه تبلیغ محلی پیوند "سوسیالیسم و مبارزه سیاسی" با مسائل محلی و اتفاقات روزمره و ملموس برای توده ها است. در بیابانها و اوراق محلی باید حتی الامکان از پرداختن به مسائل کلی و عام بدون ارتباط مشخص با مسائل ملموس توده ها اجتناب نمود، در مورد مسائل غیربومی حتی الامکان باید از ارگانها زمان و اعلامیه ها و بیابانها (بشکلی که قبلاً مطرح شد) استفاده کرد.

● در عین حال که باید بخوبی از توده ها آموخت، باید شیوه های بیان و القای مفاهیم آنها را نیز فرا گرفت باید از گنجینه زبان توده ها که بسیار غنی و زنده بوده و انعکاسی است از زندگی واقعی آنان، تا حد امکان بهره گیری نمود.

## مچ مجرم را باید هر چه سریع تر گرفت

"در رابطه با تبلیغ مساله بسیار مهمی را باید همواره در نظر داشت و آن سرعت دست نهادن بر مسائل و طرح آن است، باید به صورت و بهر وسیله مچ مجرم را در "همان ساعت و درملاء عام" گرفت. زیرا "مچ یک مجرم را در حال ارتکاب جرم گرفتن و رسوا کردن وی در همان ساعت درملاء عام، این بخودی خود از هرگونه "دعوتی" (به مبارزه) اثرش بهتر است". (لنین - چه باید کرد) هرگاه مدیر لیبرال کارخانه دست به سرکوب مبارزات کارگران میزند وظیفه ما است تا با گرفتن مچ او در "همان ساعت و درملاء عام" به کارگران کمک کنیم ارتباط مشخص این حرکت را با "آزادیخواهی" دروغین لیبرالها درک کنند. هنگامیکه هرگونه قدرت گیری شوراها و واقعی کارگران توسط بندهو بست مدیران، انجمنهای اسلامی، کمیته ها و پاسداران سرکوب میشود

وظیفه ما است که ارتباط مشخص این مساله را با وحدت جناحی مختلف کامیست در سرکوب توده ها برای کارگران و روششن کنیم. هنگامی که حتی رفیق بسیا رنگ بریده ارضی، مصوبه کامیستیز در عمل با مخالفت آریات عظام مواجه می شود وظیفه ما است که ارتباط این مساله را با ما هیت بورژوازی رفرمهای هیئتت حاکمه برای کشاورزان توضیح دهیم. و مهمترین عامل در اجرای این وظایف اینست که مچ مجرم "در حین ارتکاب جرم" و در "همان ساعت" گرفته شود و این مساله خود را ردیگر تا کیدی است بسر اینکه این وظیفه مشخصاً باید در محیل تحقق یابد و بهمین علت است که "اگر نخواهیم در باره گرفتن مچ دشمن در محل ارتکاب جرم بطور جدی سخن بگویم... باید بگوییم که عموماً روزنامه غیر علمی حتی فکر این موضوع را هم نباید بکند زیرا حداکثر موعود برای این قبیل مچ گرفتن ها اغلب از یکی دو روز تجاوز نمی کند".

(لنین - چه باید کرد؟ - تا کید از ما ست) در این جا مساله بسیار مهمی طرح می شود. هرگاه به دو وظیفه مهم و اساسی تبلیغ محلی یعنی پیوند "سوسیالیسم و مبارزه سیاسی" با "هر مساله محلی" و گرفتن مچ مجرم به سرعت هر چه تمام تر و "ملا" توجه کنیم درمی یابیم که بهترین شکل برای چنین تبلیغی، تهیه تراکت، اعلامیه، "شنا مه" و اوراق محلی است، که در عین کم خرج بودن بسیار ساده و سریع تهیه می شود. شکل اصلی تبلیغات محلی (در روستاها، کارخانه ها، محلات، مدارس، ادارات و...) باید به این صورت باشد، تهیه و چاپ نشریه در اینگونه موارد چون در عین پرخرج بودن و احتیاج به وسایل بیشتر از سرعت کمتری برخوردار است، مسلماً در درجات بعدی قرار می گیرد، که در رابطه با شرایط خاص هر محیط میتوان در مورد آن تصمیم گرفت.

## وظیفه مبلغ، دادن يك آیده برای وسیع ترین توده ها است

شیوه برخورد مبلغ به مسائل و شیوه طرح موضوع در رابطه با توده ها در میزان تا شیرو برد تبلیغ نقش تعیین کننده ای دارد. برای روشن تر شدن موضوع نقل قول نسبتاً طولانی از لنین را در اینجا می آوریم.

مروج اگر مثلاً "همان مساله بیکاری را بردارد باید طبیعت سرمایه داری بحرانها را توضیح دهد و علت ناگزیر بودن آنها را در اجتماع کنونی نشان دهد. لزوم تبدیل جامعه را بجا معه سوسیالیستی شرح دهد و غیره خلاصه کلام و باید آیده های متعددی بدهد، بقدری متعدد که

بقیه در صفحه ۹

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد



مثالهای متعددی از مسائل ملموس و روزمره توده‌ها از قبیل سخنرانی‌ها، نمازها و قلابی خاک سفید، عدم وجود آب آشامیدنی، بازبودن هفته‌ای یک ساعت شیرهای آب در آذربایجان، ارتباط مشخص بین این مسائل ملموس و روزمره با ماهیت حاکمیت و نظم موجود می‌پردازند.

### باتوده‌ها، زبان مبارزان امرتوده‌ها

یکی از نکات بسیار مهم در تبلیغ، زبان تبلیغ می‌باشد. همواره باید در نظر داشت، هدف تبلیغ توده‌ها و وسیعی از کارگران و روستاییان، خلق می‌باشند و در این رابطه همواره باید زبان روشی و بیانی را اتخاذ نمود که برای وسیعترین اقشار توده‌ها می‌رسد. خطاب قابل درک و ملموس باشد.

دی‌تریف در این رابطه می‌نویسد: "با پیدا موقت که با توده‌ها نه به زبان فرمولهای کتابی، بلکه با زبان مبارزان امرتوده‌ها صحبت نمود. زبانی که هر کلام آن، هر ایده آن، اندیشه‌ها و احساسات میلیونها زحمتکش را منعکس میکند." "هریک از ما باید این‌ها عذبه ابتدا بیانی را بعنوان یک قانون، قانون بلشویکی تلقی کنیم. وقتی می‌نویسی یا حرف می‌زنی همواره باید به کارگر ساده‌ای فکر کنی که باید تورا درک کند، به پیام تو ایمان پیدا کند و حاضر باشد دنبال تو بیاید..."

دی‌تریف - گزارش به هفتمین گنگره (کمینتورن)

بیان عملی‌ترین تماس توده‌ای و بیشترین آشنایی با مسائل فرهنگ توده‌ها لازم است. در عین حال که باید بخوبی از توده‌ها آموخت، باید شیوه‌های بیان و القای مفاهیم آنرا نیز فرا گرفت. باید از تکنیکه زبان توده‌ها که بسیار غنی و زنده است و انعکاسی است از زندگی واقعی آنان، تا حد امکان بهره‌گیری نمود. اما همواره نیز باید بدینجا پرداخت که این آموختن از توده‌ها هیچگاه به معنی ساده‌گرایی، تهی نمودن تبلیغ از محتوا به بیانی و القای مفاهیم آنرا به بی‌کارگیری لغات دست و پا شکسته و اصطلاحات مبتذل نیست. آموختن از توده‌ها به معنی آنست که مبلغ باید از سخن پرده‌های بی‌بیان و بی‌معنی، از نوشتن مطالب طولانی و بی‌معنی، از بی‌کارگیری الفاظ و لغات دور از ذهن، از سخن راندن به زبان "فرمولهای کتابی" و از تکرار مکررات پرهیزد. آموختن از توده‌ها به این معناست که مبلغ در بیان خود در نوشتجات خود با انعطاف کامل، با بی‌کارگیری اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های رایج و بی‌معنی در بین مردم و با سودجویی از ابتکار و خلاقیت بتواند از حالتی کسالت‌آور و بیروح خارج شده شور و شوق توده‌ها را برانگیزد.

# درباره تبلیغ و نقش آن

که چون روی سخن مبلغ با توده نسبتاً وسیعی است همواره و همواره باید تمام سعی خود را در ارائه و مطرح نمودن یک ایده بنهد. طرح ایده‌های متعدد همواره از برد تبلیغ می‌کاهد. مثلاً هرگاه بخواهیم از مثال عدم تامین آب از سوی دولت برای کشاورزان شمال و در نتیجه سوختن محصولات کشاورزی و روی وری فقر و فلاکت به آنان، علاوه بر ایده عدم توجه دولت به خواسته‌های توده‌ها، به مسائل دیگری چون لزوم سرنگونی دولت لزوم رهبری پرولتاریا و لزوم برقراری نظم سوسیالیستی و... نیز بپردازیم این ایده‌ها را متعدد در هیچگاه توده‌های وسیعی درک نخواهند کرد. در نتیجه مبلغ باید با ذکر دلایل گوناگون و آوردن مثال‌ها و شواهد متعدد یک ایده را از راه‌های گوناگون طرح نماید. مثلاً به تاراکت ارائه شده "دولت شیرهای آب را بروی مردم خاک سفید می‌بندد" توجه کنید در این تاراکت رفقای "حوزه کارمندی" بدرستی با مطرح کردن

بقیه از صفحه ۸ تمام این ایده‌ها را بطوریکه تمام آنها اشخاص (نسبتاً کمی) قرا خواهند گرفت. اما مبلغ وقتی در همان موضوع صحبت میکند، برجسته‌ترین مثال را می‌گیرد که همواره شونده‌ها نش بخوبی از آن مسبوق باشند. مثلاً از گرسنگی مردن خانواده‌ها که رگ‌ریکا، روزافزون شدن فقر و فاقه مثال آنرا - تمامی مساعی خود را متوجه آن می‌سازد که با استفاده از این واقعیتی که بر همه و هر کس معلوم است بتوده یک ایده یعنی ایده "مهم بودن وجود تضاد بین ثروت و فقر و فاقه را بدهد و میکوشد که حس ناخشنودی و تنفر از این پیدا دگری و حشتناک را در توده برانگیزد ولی توضیح کامل علل این تضاد را بمرحله واگذار میکند.

لنین - چه باید کرد - دو تاکید اول از ماسست) بعنوان مثال مبلغی که در "خاک سفید" در رابطه با مشکلات روزمره توده‌ها دست به تبلیغ می‌زند برای انتخاب "برجسته‌ترین مثال که همواره شونده‌ها نش بخوبی از آن مسبوق باشند" از مساله آب و رنج و مرارت مردم در تهیه آب مورد احتیاج خود با قیمت گران خرید آب از تانکر، سختی حمل و نقل آب در سرما و گرما توسط زنان و کودکان و... شروع میکنند و تمام مساعی خود را متوجه آن می‌سازد که با استفاده از این واقعیتی که "بر همه و بر هر کس معلوم است" به توده یک ایده بدهد مثلاً نمود مشخص تضاد طبقاتی یعنی تضاد بین زندگی فلاکت با ردر خاک سفید و زندگی مجلل و پرشکوه ثروتمندان و سرمایه - داران را هر چه بیشتر برجسته نماید. باید برای این مساله بسیار تاکید کرد

## دولت شیرهای آب را بروی مردم خاک سفید می بندد!!

نمایندگان قلابی خاک سفید می‌گویند: "لازم نیست مردم ما را انتخاب کرده باشند زیرا ما را دولت به نمایندگی مردم انتخاب کرده است!" این نمایندگان منتخب دولت جمهوری اسلامی آب آشامیدنی را نیز از مردم زحمتکش خاک سفید دریغ میکنند آنها شیرهای آب را فقط هفته‌ای یکبار، آنهم یک ساعت به روی مردم زحمتکش بازمیکنند. **ما می پرسیم:** آب که حیاتی‌ترین ماده زندگی بشری است، چرا باید اهالی زحمتکش خاک سفید از آن محروم باشند؟ آیا این سلب حق حیات از اهالی خاک سفید بوسیله دولت جمهوری اسلامی نیست؟

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "حوزه کارمندی"

# تعطیل دوروز در هفته‌گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازم‌ه ارتقاء آگاهی آنان است

# ● انتقاد لیبیرالها به دادگاههای انقلاب!

روزنامه انقلاب اسلامی ارگان جناحی از لیبیرالها، در تاریخ ۵۹/۸/۶ در مقاله‌ای تحت عنوان "چه کسانی دادگاههای انقلاب را تضعیف می‌کنند" به شرح نامهای از دادگاه انقلاب اسلامی خرم آباد لرستان پرداخته و عین‌کلیشه‌نامه را ارائه داده است. متن نامه حکایت از تحریف واقعیات و سرپوش نهادن بر جنایت پاداران و حمایت دادگاه انقلاب خرم آباد از پاداران است که طی درگیری با مردم پسر بچه‌های را کشته‌اند. اما این روزنامه بنا بر ماهیت طبقاتی گردانندگان آن، هیچگونه برخوردی به محتوای نامه ننموده و دادگاه انقلاب لرستان را نه بدلیل اتهامات دروغین که طبق روال معمول به فدائیان نسبت داده و تلاش می‌کند پاداران را مبرا نماید

بلکه تنها بخاطر غلطهای املاشی اعتراض کرده و می‌نویسد: "کسانی که سهم و آگاییشان در حدی است که "ضارب" را "ضارب" می‌نویسند و نکند خدای نکرده تمام این فریادهای ضد تخصص برای موجه جلوه دادن عناصری از اینگونه در راه بعضی مسئولیتهاست لیبیرالها نه انتقاد به عملکرد دادگاهها و تحریف واقعیات که انتقاد به کم‌سوادی متصدیان دادگاهها دارند. حرف آنها اینست که چرا دادگاهها با اقصای بی‌سواد علیه منافع خلق اقدام می‌کنند و بهتر است متخصصین (بخوان لیبیرالها) این وظیفه را انجام دهند. آنان در اصل لوث کردن حقایق و سرپوش نهادن بر واقعیتها با جناح حزب همسوئی دارند و در اساسی با عملکرد

این دادگاهها اعتراض ندارند. اگر همین دادگاهها کارگران و زحمتکشان را بدلیل اعتراض به استعمار و حشانه سرمایه‌داران و زمین‌داران محاکمه می‌کنند و انقلابیونی را که بجرم فروش نشریات و کتب متعلق به سازمانهای انقلابی و مترقی، سالها محکوم می‌نمایند و برابری و برابری آنها را هنگامی فریاد اعتراضات بلند می‌شود که منافع طبقاتی نشان به همانا منافع جناحی از سرمایه‌داران (لیبرالها) است در معرض خطر قرار گیرد. لیبیرالها از طریق انتقاد به بی‌سوادی مسئولین دادگاههای انقلاب تلاش می‌کنند این ارگان را در خدمت منافع طبقاتی جناح خود در دست گیرند.

\*\*\*\*\*

## ۲۱ آذر ۱۳۲۴ طبع

بقیة از صفحه ۱  
سوی سن مبارزاتی، بگسی از مابلی که دارای اهمیت ویژه‌ای است تا شیر فراوانی است که جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه در آستانه قرن بیستم بر سرش آگای این خلق برجای گذاشت، رفت و آمد سوسیال-دمکراتهای قفقاز به آذربایجان و کارگران آذربایجان که در باکو و سایر شهرهای قفقاز کار می‌کردند، همگی در سرش آگای سوسیال-دمکراتیک خلق آذربایجان تاثیرات قابل توجهی بجای گذاشت. وقوع انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه و ایجاد حکومت شوراهای، با زهم خلق آذربایجان را بیش از پیش تحت تاثیر قرار داد. آنچه که در این مقاله از مبارزات زحمتکشان آذربایجان بعنوان گوشه‌ای از تاریخچه مبارزاتی این خلق مورد نظر است مبارزات آنها در قلمرو ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵، یعنی بهنگامی است که حکومت خودمختار آذربایجان تشکیل گردید.

با جنگ جهانی دوم و شرایطی که این جنگ در ایران نیز پدید آورد، شعله مبارزات خلقهای تحت ستم ایران زبانه کشید. توده‌های زحمتکش شهر و روستا دست بمبارزه آشکار سیاسی زدند. مبارزات خلق آذربایجان نیز، با گرفتن و آتش جنبش وسیع دهقانی که بنام "پارتیانها" معروف شده بود، از سال ۱۳۲۳ در مناطق هشتگرد، سراب، قره داغ، مراغه... منتقل گردید. این جنبشها غالباً تا مرحله نبرد مسلحانه با خوانین و ژاندارمها تکامل می‌یافته و به مصادره زمینهای فئودالها می‌پرداختند. در شهرهای آذربایجان نیز مبارزات توده‌های شهری گسترش می‌یافت و آزادیهای دمکراتیک نسبی که پدید آمده بود، موجب پیدایش و رشد اتحادیه‌های کارگری و رشد فرهنگ ملی و انقلابی شد. در طی این سالها شعور و آگاهی

های سیاسی توده‌های زحمتکش آذربایجان به نحو چشمگیری فزونی یافت. جنب و جوشی که آذربایجان را فرا گرفته بود، طلیعه یک جنبش بزرگ توده‌ای را نوید میداد. در چنین شرایطی بود که در شهریور ۱۳۲۴ فرقه دمکرات آذربایجان تشکیل شد و در راه مبارزه متشکل و سازمان یافته برای کسب حقوق دمکراتیک خلق آذربایجان گام برداشت. بزودی فرقه نیروهای عظیمی را در میان توده‌های زحمتکش بسیج نمود، شهرها و قصبات آذربایجان را شاد، متین‌گشا و گرد هم آئی‌های پر شوری از زحمتکشان بود در این میتینگها نمایندگان واقعی زحمتکشان آذربایجان برای انجمن ایالتی انتخاب شدند و در این انتخابات برای اولین بار در ایران به زنان حق رای داده شد. اما این اقدامات فرقه دمکرات نمی‌توانست مورد تأیید حکومت ضد خلقی حاکم بر ایران باشد دولت مرکزی ایران انتخابات را غیر قانونی اعلام کرد و بدنبال آن درگیریهای مسلحانه در شهرها و روستاهای آذربایجان آغاز گردید. سازماندهی مسلح توده‌های زحمتکش یکی از گامهای مؤثر و مهمی بود که از جانب فرقه دمکرات برداشته شد. از پیوند مبارزات پراکنده روستائیان سازمان مسلحی بنام "فدائیان" تشکیل شد. سرانجام در بیست آذر فرقه دمکرات با کمک زحمتکشان و روشنفکران مسلح، نیروهای ارتشی را در تبریز به تسلیم واداشت و در ارومیه نیز برخوردی روی داد که به شکست دولتیها انجامید. با این ترتیب در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ انجمن ایالتی تشکیل شد و نام خود را به "مجلس ملی آذربایجان" تغییر داد و تشکیل دولت خودمختار آذربایجان را اعلام کرد. خلق آذربایجان در ظرف یک سالی که ارتجاع را موقتاً به عقب رانده بود توانست گامهای جدی در جهت منافع خلق بردارد. اراضی

فئودالها و مالکان بزرگ را که از آذربایجان فرار کرده و به توطئه چینی علیه آن مشغول بودند و نیز اراضی خالص دولتی را بین روستائیان تقسیم نمود، مالیاتهای متعدده باج و خراجها و بیگاری را لغو کرد و بهره مالکانه را تعدیل نمود. در هر بخش و منطقه‌ای اداره امور محلی به عهده خود مردم واگذار شد، دانشگاه تبریز ایجاد شد و در بسیاری از روستاها کلاس درس دایر گردید. با بکارگیری زبان مادری در آموزش و پرورش استعدادها شکوفان شد و فرهنگ و هنر رشدی با بقایای کرد و پالاخیره اقدامات عمرانی متعدده از قبیل لوله‌کشی شهر تبریز، اسفالت خیابانها، احداث جاده‌ها، تاسیس رادیو و غیره انجام گرفت. اقدامات دمکراتهای آذربایجان، هر چند در همین سطح محدود نمی‌توانست خشم ارتجاع را برنیا نکیزد. بنا بر این رژیم مزدور شاه با حمایت امپریالیستهای آمریکا و انگلیس لشکرکشی به آذربایجان را آغاز کرد و با کمک سران مرتجع عشایر و اقلیتها، بختیاریه‌ها و عناصر مخالف فرقه دست بقتل و عام زحمتکشان دلیر آذربایجان زد و نزدیک به ۲۵ هزار نفر از زحمتکشان دلیر آذربایجان به شهادت رسیدند، علیرغم اینکه فرقه در طول یکسال دست به اقدامات اصلاحی فراوان زد و بسیاری از زحمتکشان بخصوص دهقانان آذربایجان هنوز هم خاطرات آن یکسال را عزیز میدانند، اما عدم قاطعیت و ایستادگی سران فرقه دمکرات در برابر ارتش ارتجاعی اعزامی و قرار آنها تا ثیرات بسیار زیان بخشی بر جنبش زحمتکشان آذربایجان برجای گذاشت. فرقه با قدرت فدا ثیانش که نزدیک به هشتاد هزار نفر می‌رسید توان مقاومت و حتی درهم کوبیدن ارتش پوئالی را داشت عقب نشینی فرقه، فرار بیست هزار نفر به شوروی و قتل عام بیست و پنج بقبه در صفحه ۱۳

### مشکل مسکن برای ...

بقیه از صفحه ۱

گرانی سرسام آور، باراجاره خانه بردوش توده های زحمتکش دوچندان گردیده است و هنوز که هنوز است روستا سنان زحمتکش و محروم سر پناهی حرخانه های کلی و مخروبه که از گزند سرما و کرم و برف و باران در امان نماندند دارند. هم اکنون بیش از یک میلیون آوارگان مناطق جنگ زده نیز وضعیتی مشابه دارند در تحت چنین شرایطی است که راجائی نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی طوسی اطلاعیه ای اعلام داشت، اجرای مصوبه شورای انقلاب مبنی بر حکم تخلیه منازل استیجاری در صورت عدم پرداخت اجاره بها، برای ۶ ماه به تعویق افتاد با این شرط که اجاره بها منظم پرداخت شود و با این ترتیب از کسانی که مالک دهها خانه و آپارتمان هستند بدون هیچگونه محدودیتی حمایت کرد و ورشکستگی سیاستها و برنامه های دولت جمهوری اسلامی را در مورد مسئله مسکن به نمایش گذارد.

در این اطلاعیه آمده است: "مناسفانه بعلمت نبودن سیاستها هماهنگ در امر عرضه مسکن مشکلات عدیده ای برای هموطنان را زیکسود و دولت از سوی دیگر بوجود آمده که با حوصله و صبر انقلابی باید آنرا چاره نمود و با تصویب لوائیجی که هیچگونه حقی را ضایع ننماید به حل مسئله پرداخت" (اطلاعات اول آذر) راجائی ورشکستگی سیاست دولت جمهوری اسلامی در این زمینه را با یک تاسف می پوشاند و با زهم از مردم می خواهد، که حوصله و صبر انقلابی خود را از دست ندهند تا با تصویب لوائیجی که هیچگونه حقی ضایع نشود (که منظور حق مالکین است) امر مسکن را حل نمایند و به مالکین خانه ها نیز اندرز می دهد که به خاطر جلوگیری از وخامت اوضاع، موقتا از دست زدن به اقدامات حاد خودداری کنند: "از کلمه موجران انتظار دارد که با وجود پایان یافتن مدت این مصوبه از دست زدن به اقداماتی که موجب نارضایتی مردم که در نتیجه نارضایتی خداوند است و باعث خوشحالی دشمن کینه توز است مسلما نمی باشد، جدا خودداری کرده با سعه صدر و اخلاق اسلامی نشانه ای از همبستگی و همدردی است قهرمان که در کبر چنگ تحمیلی دشمنان اسلامند باشد." (همانجا).

می بینیم که طی دو سال، دولت تنها با وعده و وعید سعی کرده اعتراضات توده های زحمتکش را مهار نماید. ابتدا حساب کرده ۱۰۰٪ مطرح نمود و از مردم خواستند که برای دریافت مسکن به این حساب بولور بیز کنند و زحمتکشان نیز با فروش تمام می هسنتان به امید دریافت مسکن به این امر تن دادند. عملگر دیندار مسکن درمورد واکداری زمین و خانه سازی در فله ای جداگانه بررسی می کرد (سین دولت از زمینداران سپری خواست سمنی از زمینهای وسیع خود را برای امر خانه

### "کمیته مرکزی" به دروغ پردازیهای خود ادامه میدهد

مذکور در صد دیپهان کردن وسائل مربوط به روستا روستا مراجعه و از این امر جلوگیری می کنند. لازم به توضیح است که آن چه که "کمیته مرکزی" بنام "اموال شخصی" می نامد یک دستکاه بیسم دستی و مقداری کاغذ چاپ میباشد، این وسائل متعلق به سازمان و متعلق به جنبش مقاومت خلق گرد است، مگر اینکه بخواهیم قبول کنیم که بیسم و کاغذهای چاپ نیز میتوانند وسائل شخصی باشند. ضمنا فرد مورد ذکر هوادار "کمیته مرکزی" نیست. این نکته را بدینست رفا بداند که فرد مذکور با رهنم مسعود هواداران، "کمیته مرکزی" دست بیک هوچیکری مذبحا نه در بوکان زد که توسط مردم رسوا شد ولی با زهم دست برداشت و شکایتی تسلیم دفتر حزب دموکرات در بوکان نمود و مدعی شد که وسائل متعلق به حزب میباشد و اوقصد فروش این وسائل را نداشته، بلکه برای تحویل آن به حزب آنها را به شهر می آورده اکنون "کمیته مرکزی" باید پاسخ دهد که آیا بیسم متعلق به هوادارانهاست و یا وسائل شخصی و یا وسائل حزب دموکرات در حالیکه از نظر تشکیلات سقز سا زمان مشخص است که این وسائل متعلق به سازمان بوده و هیچکس حق فروش و یا استفاده شخصی از آنها را نداشته و ندارد.

"کمیته مرکزی" در شماره ۸۶ رکان سراسری خود به درج اخباری در مورد کردستان برداخته و به شیوه همیشگی خود سعی در مخدوش نمودن جزئیات موجود در کردستان کرده است. مادر گذشته اهداف ایورتونیستها را از درج اینگونه دروغگوئیها تشریح کرده ایم اما در اینجا مشخص نمودن یک دروغ را لازم میدانیم. "کمیته مرکزی" در رکان سراسری شماره ۸۶ مینویسد: "گروه اقلیت در روستای "جه میان" و چند روستای دیگر منازل هواداران سازمان را مورد بازرسی قرار داده و اموال شخصی آنها را تحت عنوان وسائل سازمان به غارت برده است" (تاکید ما است) شاید برای هواداران بی اطلاع کثرت این دروغها فریبنده باشد ولی واقعیت قضیه حداقل برای مردم روستای "جه میان" بیش از هر جای دیگر روشن است و آن اینست که یکی از افرادی که در گذشته در ارتباط با اکثریت بوده و اکنون هیچگونه ارتباطی با آنها ندارد در صدد برمی آید که از آشفتگی وضع تشکیلاتی "کمیته مرکزی" در کردستان سوء استفاده کرده و اموالی را که متعلق به سازمان و جنبش مقاومت است بفروش رساند این موضوع توجه تشکیلات سازمان در سقز را بخود جلب کرد و رفقای ما در روزیکه شخص

سازی در اختیار مستضعفین قرار دهند آقای خسرو شاه سربپرست بنیاد مسکن مستضعفان گفت: "مالکین باید خانه هایشان را با قیمت واقعی بهای مناسب در اختیار آنان که هیچ خانه ای ندارند بگذارند." سپس مسئله تعدیل اجاره بها به میزان ۲۰٪ و معافیت مالیات اجاره خانه تا ۳۰۰ تومان مطرح شد و بالاخره التیما نوم در مورد اینکه تا یک هفته خانه های خالی به اشغال دولت در می آید داده شد و اکنون از مالکین درخواست می شود با سعه صدر و اخلاق اسلامی خانه ها و آپارتمانهای متعدد خود را برای اجاره در اختیار مستاجران قرار دهند. اگر بخشی از توده ها از همان ابتدای حاکمیت دولت جمهوری اسلامی اعتمادی به شعارهای دولت از جمله در مورد حل مسئله مسکن نکردند و به مسافران انقلابی خانه ها و آپارتمانهای خالی متعلق به سرمایه داران و فراریان دست زدند و دولت نیز تا آنجا که توانست آنان را از خانه های مسافران بیرون راند، اما بخش دیگری از توده ها که به امید دریافت مسکن از جانب دولت دل بسته بودند اکنون بخوبی در می یابند که به بنیاد دولت به این خواسته وابسته بوده ها یا سخنی نمیدهد بلکه از مالکین که آنها را به اینها و خانه های میبندد!

حمایت می کند و از مستاجران می خواهد که تعهدات خود را در مورد اجاره بها بموقع اجرا کنند تا موجب نارضایتی این بخش از سرمایه داران نشود و می گوید: "امرا جاره و وقتی عبادی خواهد شد که تعهدهای طرفین بموقع انجام شود تا هم موجر با آرایش خاطر مسکن اضافی را در اختیار و طلبان قرار دهد و هم مستاجر با اجرای تعهد، اطمینان خاطر موجران را در ارائه ملکشان برای ارائه مجدد تسویه کند." دیگر صحبتی از ماده دره آبارتانه ای متعدد سرمایه داران نمی شود بلکه تحکیم روابط مالک و مستاجر مطرح می کند.

اکنون کارگران و زحمتکشان میهنمان به تجربه در می یابند، تا زمانیکه نظام سرمایه داری وابسته همچنان با برجاست مشکل مسکن نیز حل نخواهد شد و دولت جمهوری اسلامی نیز نمی خواهد هدونه می تواند این مشکل را حل کند.

### توضیح:

در مورد سپادت رفیق سروس سپهری که جزو سپدای آذر ماه سازمان دکریده، اسبابی رخ داده است. رفیق در سوم مهر ماه ۱۳۵۰ از برکنجه های وحسانه آریا سپهری بنیاد رسد. باین کرامت یاد

### بر آوارگان جنگ...

می دارند. " جنگ زده دیگری خطاب به یک... از مسئولین مسجد میگوید: "تا بحال زیبا دشنیدیم که درست می شود و نشده است. شما ها خانه دارید، پتو دارید، غمتان نیست، ما نداریم، فردا برف می آید و هنوز ما چیزی نگرفته ایم و هر وقت می آیم می گویند نداریم. در این موقع زن مسنی با عصا نیست می گوید: "دولتی که می خواهد جنگ وضع مردم را درست می کند. " در دلد آوارگان، در مسجدا رس، در خیابان، در مسجد، زیاد است، فریادهای اعتراض آمیز مردوزن و جوان یکی می شود و این صدای فریاد یکپارچه در دو اعتراض است که از دل بر می خیزد و بر زبان جاری می شود. یک خرم شهری آواره شده در خرم آباد داد می زد می گفت: "به ما گفته اند شما کمونیست بودید، که این بلا سر شما در آمده است. " و همراه او که کاسی خرم شهری بود می گفت: "کارها نمی کرده اند و می کنند که مردم از شان متنفر شوند... کسه بر وجود می گفتند: "خیلی چیزها نایاب شده، قندهار ۱۲ و ۱۳ تومانی رسیده، آب نبات ده تومانی است، نفت به بدبختی گیسر می آید، همه چیز صافی شده، پول هم تو دست مردم نیست. بعضی چیزها مثل گوشت توقفا بیها زیاده، اما مردم پول ندارند گوشت بخورند. " (این گفته را چند قصاب نیز تا شنید کردند.) همچنین چند تن از اهالی بروجرد که با مسئولان

اسکان دهی آوارگان و مراکز دیربخت آشنا می و رابطه داشتند با صراحت می گفتند: "وضع خیلی خراب است، انصافا اینها به آواره ها نمی رسند. در صورتی که خیلی چیزهایی که می گویند نیست، دروغ است. " **در اراک**

شهر اراک همچون دیگر شهرهای نزدیک به استان های جنگ زده گروهی از آوارگان را در خود جای داده است. این خانواده ها عمدتاً در شهر صنعتی اراک اسکان داده شده اند. مورد مربوط به این جنگ زدگان را کمیته شهر صنعتی به عهده دارد و وضعیت این خانواده ها شدیداً وخیم است. کمیته شهر صنعتی و دیگر مسئولان به درستی و همه جانبه به مسائل و مشکلات و خواسته های آنان نمی رسند و به همین سبب مدام با افراد دیربخت در اراک اسکان دهی جنگ زدگان، درگیرند. این افراد در دوبرلوک ۸۰۱۵ طبقه ما و آگزیده اند. در هر آپارتمان که دارای سه اتاق است، سه خانواده و هر خانواده در یک اتاق زندگی می کنند و از امکانات اولیه مانند پتو، چراغ، ظرف و غیره محروم اند. زیرا اندازه نیز ندارند، روزی شش لیتر نفت به آنها داده می شود این ساختمان ها هنوز کامل نیست حتی یکی از آنها برق ندارد. با این همه مشکلات و نارسائی های که بر اثر جنگ غیر عادلانه ایران و عراق گریباً تکثیر خانواده ها شده است، تفتیش و تحقیق آوارگان از سوی پاسداران و بسیجی ها هم مزید بر علت می باشد. اخیراً افراد بسیجی اسباب و اثاثیه خانواده های جنگ زده را با زور می کنند و اگر در این تفتیش ها به موردی مانند کتاب و یا نشریات انقلابی برخورد کنند، دارند اینگونه نشریات، حداقل از ساختمان ها اخراج می شود.

### بحران دو عراق...

در این میان اتحاد میهنی کردستان عراق نقش برجسته ای در مبارزه علیه رژیم ضد خلقی عراق به عهده دارد. این اتحادیه بعثت سابقه طولانی مبارزه مسلحانه اش و تجربیات گرانبهای که در اختیار دارد، بخش عمده و شاید بتوان گفت تنها بخش مسلحانه جنبش عراق می باشد. پیشمرگان قهرمان اتحادیه میهنی اکنون در سراسر کردستان عراق به مبارزه مسلحانه علیه رژیم ضد خلقی عراق مشغولند. بسیاری از شهرهای کردستان عراق اکنون زیر نفوذ اتحادیه میهنی می باشد و پیشمرگان آن شبها در این شهرها به ما نور می پردازند. اتحادیه میهنی کردستان عراق برای بخش نظرات خود یک ایستگاه رادیویی ایجاد کرده که روی موج کوتاه ردیف ۴۱ متر هر روز در ساعت ۶/۵ تا ۷/۵ بزبانهای کردی، شکاک و سورانی و نیز عربی برنامه پخش میکند. همچنین روزهای جمعه یک برنامه فوق العاده دارد که از ساعت ۷/۵ تا ۸/۵ صبح پخش می شود. پارتنرهای اتحادیه میهنی طی چند ماه گذشته ضربات بسیاری به ارتش ضد خلقی عراق وارد آورده اند. نفوذ اتحادیه میهنی کردستان عراق در شهرهای کرکوک، قلاتزه، اربیل، سلیمانیه، حلبچه، موصل از گسترش قابل توجهی برخوردار است. مبارزه سرخسختانه انقلابیون عراق و دست آوردهای آن برای جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران و عراق اهمیت بسیاری خواهد داشت.

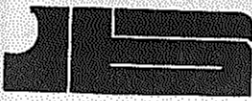
اتحادیه میهنی کردستان عراق در جهت افشای سیاستهای ضد خلقی دولت عراق و نقشی که این جنگ در بدبختی وسیع روزی توده های عراق داشته است گامهای برداشته است. همچنین اتحادیه میهنی کردستان عراق در جهت افشای سیاستهای جناحهای مختلف درون حاکمیت عراق که در صدد آنند در آینده بصورت آلترناتیوی در مقابل سیاستهای ورشکسته رژیم ضد خلقی عراق حرکت هایی داشته باشند قدمهای ارزنده ای برداشته است. تلاش اتحادیه میهنی کردستان عراق و دیگر نیروهای سیاسی در جهت تشکیل جبهه گام ارزنده ای است که نیروهای سیاسی عراق را رهبری مبارزه توده های روبه گسترش خلق عراق علیه رژیم صدام حسین بر داشته اند. اکنون در عراق مبارزه توده های مردم ابعاد جدیدی می یابد. در چند هفته گذشته تظاهرات و اعتراضات در شهرهای نجف، بصره، کاسمین، سلیمانیه برگزار شد، حدود دوماه است که دانشجویان عراق تعطیل است و تعداد زیادی از نیروهای ارتش فرا کرده و به نیروهای انقلابی پیوسته اند. در عراق تظاهراتی درونی حاکمیت روبه شدت است و انعکاس آن بصورت تغییر بیست ها و انتقاد شدید نسبت به سیاستهای جنگی و... نمود می یابد.

### ضد امپریالیستی...

ایران را به عهده بگیرد که ژاپن بتواند در این راه با آمریکا هماهنگ شود. " وظایف همین درگیری ها بود که مانع از اتمام طرح در یک سال گذشته گردید. هر چند که در تمام این مدت ژاپنی ها کوشیدند که خود را انجام دهند، به طوری که در ۲۰ فروردین ۵۹ ژاپنی ها به دنبال مذاکره با مقامات شرکت ملی نفت ایران اعلام کردند که حاضرند علیرغم (!) شوکت ژاپن در تحریم اقتصادی ایران، مجتمع مزبور را تکمیل سازند و در اسامی مقرر (کدام موعده؟) به پایان رسانند. علاوه بر اینها، احتمال می رود علت این دست و آن دست کشیدن ژاپنی ها این باشد که هزینه اجرای طرح را با لایبرند (وبه قول یک مقام ایرانی در یکی دو ماه پس از قیام به ۵۰ میلیون دلار برسانند)، با توجه به اینکه ظاهراً مشخصات فنی طرح تغییری نکرده، تنها تعبیری که

می توان از این افزایش هزینه داشت اینست که ژاپن می خواهد عدم التفعیل خود را در صورت عدم مشارکت در بهره برداری از مجتمع، از طریق گران فروختن وسایل خدمات خویش جبران کند و الا با فرض عدم تغییر مشخصات مجتمع، نمی توان قبول کرد که ظرف ۴-۵ سال، به علت تورم جهانی هزینه طرح ۵-۶ برابر شود. حتی در وضع فعلی که گویا هزینه همان ۲۳۰۰ میلیون دلار است، نیز ژاپنی ها در صورت عدم مشارکت در بهره برداری ضروری نمی کنند، زیرا ماشین آلات و خدمات را به حد کافی گران فروخته اند. این یک توطئه، سرمایه داری امپریالیستی است که رژیم حاضر نیز از آنجا که به افتای آن نمی پردازد در اجرای آن سهیم است. و بدین گونه، حتی اگر از توطئه مورد نظر چشم پوشیم، امرا و حکومت حاضر در اجرای یک طرح با ابعاد و اهداف امپریالیستی، با رد دیگر ما هستیم. واقعی ادعای فدا امپریالیستی حکومت را عریان می کند.

## پرتوان بان جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# تخصن و اعتراض دانش آموزان مدرسه فاطمه امینی در برابر اخراج دانش آموزان انقلابی

در پی اخراج ۱۲ تن از دانش آموزان انقلابی مدرسه فاطمه امینی در ۲۱ مهر ماه - که خیران قبلا در "کار" درج شد دانش آموزان مبارز و آگاه دست به تخصن زدند.

در آن خبر نوشتیم که دانش آموزان آگاه و مبارز مدرسه فاطمه امینی، به دنبال اخراج دوستان خود دست به تخصن زدند و با لاجرم با وعده مسئولان آموزش و پرورش ناحیه مبنی بر اینکه اخراجی ها میتوانند در مدارس دیگر به تحصیل ادامه دهند، بعد از پنج روز تحصن خود را شکستند و پس از چند روز بعد دوباره به آنها گفته شد که هنوز تکلیفشان مشخص نیست. دانش آموزان دوباره دست به تحصن زدند و پس از این بار تحصنشان روزی دو ساعت بود.

در روز پنجشنبه ۲۴ آذر پس از روز ششم دست جمعی صبحگاهی با شعار "مرگ بر آمریکا" به سوی راهروها راه افتادند، در همین اثنا، دانش آموزان حزب اللهی و عوامل مدیر مدرسه، بودرویی دانش آموزان معترض و اخراجی قرار گرفتند و کشمکش بین آنها ایجاد شد. تا در یکی از دانش آموزان اخراجی که در جمع محصلین بود می گفت: "چرا همه ما درها نمی آید، با هم برویم توی دفتر و اعتراض کنیم، چرا بچه ها را بیرون کردند؟"

درگیری بین دانش آموزان انقلابی و مدیران و ناظم و دانش آموزان حزب اللهی، ادامه داشت که پاسداران از دیوار وارد مدرسه شدند، روز شنبه ۲۶ آذر، مجددا تحصن و اعتراض دانش آموزان نسبت به اخراج

دوستان خود و ایجاد دخفان در مدرسه، با شعار "مرگ بر آمریکا" آغاز شد. با زهم پاسداران آمدند و اینبار با پاسداران هم به همراه آورده بودند. دانش آموزان شعار می دادند، "اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم"، پاسداران با مشت و لگد به دانش آموزان حمله کردند، وضع متشنج شد. دفتر معلمان پر از محصلینی بود که بر اثر مشت و لگد پاسداران بی حال شده بودند، اما دانش آموزان انقلابی و با شعار "مرگ بر آمریکا" همچنان به مقاومت و مبارزه ادامه می دادند.

مینی بوسی به حیاط مدرسه وارد شد تا اخراجی ها را به "اوین" ببرد، اما قیبه دانش آموزان هم همراه آنها شدند و گفتند ما را هم ببرید. پاسداران هم وقیحانه و تاحدی که مینی بوس جا داشت در آن "دانش آموز" جا دادند و با خود به اوین بردند. و در آنجا ضمن بازجویی از آنها به زور اسم و آدرس شان را هم گرفتند و نگشت نگاری بعمل آوردند و رهایشان کردند. بچه ها در بازگشت شعار می دادند "اخراج دانش آموز توطئه آمریکا است"، و به گونه ای آشکار و با عزمی راسخ به پاسداران می فهماندند که "ما به مبارزه خود ادامه می دهیم آزادی فعالیت سیاسی را بدست می آوریم و نمی گذاریم دوستانمان اخراج شوند."

## انزلی

انزلی - دانش آموزان دبیرستان صا دقپورا نزلی با اتحاد و مبارزه موفق شدند مدیر ضداقلابی و تحمیلی را اخراج کنند. در این باره دانش

آموزان هوادار سازمان اعلامیه ای منتشر نمودند که در آن از دانش - آموزان مبارز خواسته اند که شورای معلمین و دانش آموزان را تشکیل داده و با پیگیری خویش آنرا تحکیم نموده و تنها به این عمل انقلابی اکتفا نکنند و با یکدیگر دست از طریق شورای مشترک امور مدرسه را کنترل نموده و در آن اعمال اراده نمایند. همچنین خواسته اند که دانش آموزان انقلابی با افشاگریهای همه جا نیه و وسعت بخشیدن به فعالیت های خویش آگاهی دانش آموزان و توده ها را افزایش دهند. این رفقا بدرستی و بجا خواسته اند که "آزادیخواهی دروغین لیبرالها" افشاء شود.

## آمل

آمل - دانش آموزان دبیرستان سرور آملادپوش همچنان از حقوق دموکراتیک خویش دفاع میکنند و نمی گذارند مطابق میل مرتجعین فعالیت های سیاسی متوقف و جواختناق بر مدرسه حاکم گردد. صبح چهارشنبه ۵/۱۹ دانش آموزان انقلابی با اتحاد مقدسشان از یورش ارتجاعی چهار نگیر (مشاوران تربیتی!) به پلاکاردها و نوشتجات دیواری، جلوگیری کردند و با شعارهای "سیاست چهار نگیر افشاء با بدگردد"، "فعالیت سیاسی حق مسلم ما است"، "فرهنگ استعماری نابود با بدگردد"، "فرهنگ انقلابی ایجاد با بدگردد" را بدفتر مدرسه را تندی گویا تا میرده طی نامه ای به آموزش و پرورش همراه با استعفا نامه خود، گفته است: "با عرض تاسف این مدرسه مکتبی شدن نیست."

آری، اگر دانش آموزان آگاه و متشکل باشند نمیتوانند با اتحاد خویش مانع تسلط اختناق در محیط خود شوند.

## ۲۱ آذر ۱۳۲۴

بقیه از صفحه ۱۰

هزار نفر از مردم آذربایجان، هربه جبران ناپذیری به زحمتکشسان آذربایجان وارد آورد. جناح توده ای فرقه دمکرات در تسلیم طلبی فرقه و اعلام فرمان ترک مخاصمه در مقابل ارتش ضد خلقی رژیم مزدور شاه، نقش بسزائی داشت. مجله مردم رگان حزب توده یکماه پس از شکست فرقه - وقیحانه چنین نوشت:

"... برخی از رهبران فرقه دمکرات آذربایجان که پس از حادثه زنجان نسبت به ورود قوای دولتی خوشبین نبودند، قصد مقاومت داشتند ولی از قرار سرانجام "کمیته مرکزی" فرقه دمکرات سلامت را در هر حال بمناقشه ترجیح داد و بخاطر حفظ صلح در داخل ایران که برای حفظ صلح جهان مفید است و بمنظور جلوگیری از جنگ ویرانگری از قصد مقاومت صرف نظر نمود. - ترک مخاصمه اعلام شد با توجه به فواید کلی که از این اقدام ناشی می شود با تدبیر جهت از آن هواداری کرد

زیرا یک عقب نشینی سودمند، از یک حمله زیان بخش بیشتر در خور قبول است..." (مجله مردم شماره ۴، سال اول - دوره پنجم) (تاکید زیاست) سواى مسئله فوق، نداشتن یک سیاست ارضی قاطع و انقلابی یکی دیگر از ضعفهای دمکراتهای آذربایجان بود. فرقه دمکرات اعلام کرد که فقط املاک مالکان متواری و خالصه دولتی را مصادره خواهد کرد، هر چند دهقانان در بسیاری از نواحی خود را سابه مصادره ارضی اقدام کردند و لیبی نداشتن یک سیاست ارضی مشخص از طرف فرقه یکی از ضعفهای بزرگ آن بود. مساله دیگر که از اشکالات و کمبودهای جنبش آذربایجان در دوران فرقه محسوب میشد، عدم ارتباط ارگانیک و وسیع با کل جنبش در سراسر ایران - بود. اهداف جنبش آذربایجان در بین توده های وسیع سراسر ایران شناخته نشده بود و بنا بر این رژیم ارتجاعی شاه با تبلیغات وارونه اذهان مردم را مخدوش کرده بود و رهبران فرقه نیز به سیاستهای ناسیونالیستی در غلغله شدند، نتیجه

اینکه نه تنها در سراسر کشور از این جنبش پشتیبانی جدی بعمل نیامد، بلکه حتی بمخالفت با آن نیز بر خاستند و قتل عام زحمتکشان آذربایجان با اعتراض عمومی مواجه نشد. و امروز که خلقهای تحت ستم ایران، بویژه خلق قهرمان کرد بیباک است، و رژیم جمهوری اسلامی به سرکوب قهرآمیز آنها برخاسته است با دیدن شناخت جنبش دمکراتیک آذربایجان و نقاط ضعف و قوت آن در فاصله ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵، از تکرار اشتباهات جلوگیری کرد. با دیدن رابطه و پیوند جنبش خلقهای تحت ستم ایران و جنبش طبقه کارگر بر پیوند جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای سراسر ایران تاکید کرد و از در غلغله در ورطه ناسیونالیسم تنگ نظرانه، جدا کردن مبارزه بخاطر رها سازی ستم ملی از مبارزه طبقاتی اجتناب ورزید. با دیده خلقهای تحت ستم ایران آموخت که تنها طبقه کارگر است که حق خلقهای تحت ستم ایران را در تعیین سرنوشت خود برسمیت خواهد شناخت.

## بر آوارگان جنگ چه می گذرد؟

بقیه از صفحه ۱۶

به خوبی آنرا دریا فته و عوا قسب خطرناک و بیبیا ن کنش را با تمام وجود احساس می کنند. بینی صدرنختران و مضطرب از پی آمده های ناشی از این خشم و تنفر توده ای، مدام در صحبت ها و نوشته های خود به دیگر حکومت گران هشدار می دهد، که سعی کنند بیجا سیاست های لیبرالی و رفرمیستی و اعتراض و خشم توده ها را که می رود تا به جنبشی عظیم و همه جانبه تبدیل شود، مهار نکنند. اما واقعیت های عینی و روزمره و رشد آگاهی سیاسی توده ها و نیز بحران موجود، عمیق تر از آن است که با رفرموسیا ست های عوا مفریبا نه بتوان، بر حرکت توده ها به نفع بورژوازی وابسته، فائق آمد.

وقتی که برای صحبت و گفتگو و شنیدن دردهای آوارگان به میان صف آنها در برابر آوارگاه کل استان لرستان، کمیته ای امداد امام، مسجد امام خمینی و مدارس بروجرد و خرم آباد بروی، زنان زحمتکش و مردان، که به مراتب کمتر از زنان هستند، را می بینی که هر یک شناسنامه و کاغذ کویینی در دست دارند، همه اعتراض میکنند و تنفرشان را از آنچه که گذشته و می گذرد را برآزمی کنند. "این چه مصیبتی بود که سر ما آوردند؟" "این چه وضعیه؟" "خدا لعنت کند آنها را که این جنگ را بینه راه انداختند."

زن زحمتکشی که با بچه ای در بغل و همراه مادر شوهر پیرش برای گرفتن پتو و مقداری روغن و برنج، سه روز بود به آواره کار و کمیته امداد امام آمد و رفت می کرد و نتیجه ای نگرفته بود، می گفت: "بیست روزه که از آبادان به اینجا آمده ایم، در خانه ای یک زن بیوه زندگی می کنیم، شش نفریم، شوهرم در محله ای ذوالفقاری آبادان بساط لباس فروشی داشت، و الان هم در آبادان است. از روزی که ما آمدیم اینجا هیچی به ما ندادند، پنج تا بچه دارم، نه شیر خشکی هست و نه روغن و پتو و لباس گرم. سه روزم هست که میام اینجا."

تاثيرات جنگ بر زحمتکشان هر روز عینی تر می شود و هر روز سنگین تر رخ می نماید. زن جوانی که از آبادان آمده بود می گفت: "من وقتی در آبادان بودم حرفها و خبرها را که در باره جنگ زده ها می گفتند بسیار نمی کردم و می گفتم شاید است، اما حالا که خودم در اینجا هستم و چند روز است برای گرفتن کوبین نفت و پتو و روغن می آیم و این مردم بدبخت را می بینم،

در پاسخ این ستوا لکه چرا شهرو کاشانه خود را در برابر دشمن رهبر کرده اید و به اینجا آمده اید، بیجا خشم و تنفر فریاد بر می آورند: "ما هاکه در آنجا نبودید تا ببینید که چطور شب و روز از زمین و هوا، خمپاره و خمسه و راکت به روی سر ما نمی ریزد و هیچگونه امنیتی نداریم، و عراق هی پیش می آید و دست ما هم خالی است ما را مسلح نمی کنند"

اکنون، تقریباً در تمام شهرهای ایران، به نسبت آوارگان جنگ پراکنده شده اند. در شهرهای مجاور استان های درگیر در جنگ تعداد خانواده های آواره، بمراتب بیشتر است مثلاً اکنون حدود ۱۹۰۰۰ خانواده - بطور نسبی - عفره - وارد خرم آباد شده اند.

زن زحمتکشی که در هوای سرد خرم آباد به انتظار گرفتن پتو و چرخ در صف ایستاده بود، می گفت: "ما از اینجا هم نمی خوریم و دولت باید برای ما وسایل مناسب زندگی را تهیه کند، دولتی که می خواهد بده جنگد، فکر مردمش را می کند." او علت نرفتن خود را از این شهر چنین توضیح می دهد: "اینجا به شهرهای خودمان نزدیک است، مردهای ما با در جنگ هستند و ما سرکار می توانیم زود به زود به ما سر بزنند، ما هم می توانیم گاهی به خانه هایمان در شهرهای خودمان برویم و از خانه زندگی ما را گرسالم مانده باشد، خبر بگیریم. اصل مراد ما این است که به شهرهای خودمان نزدیک باشیم و از اینجا هم به هیچ کجا نمی رویم." همه این دیدگاه ها و شنیده ها، با مشاهده صف های طولانی و پیرا دو فریاد، زنان زحمتکش بچه در بغل در برابر کمیته های امداد امام، بسیج فلان و بهمان، شنیدن دردها و صحبت های عصبانی و اعتراض آمیز زحمتکشان جنگ زده و آواره، دیدن چگونگی زندگی آنها در مدارس، خانه های اقوام و اطافتهای اجاره ای، در هوای سرد لرستان که خوزستان با آن هیچگونه آشنائی ندارد، و... به گونه ای عریان و تلخ و دردناک ما هیت پلید و کثیف جنگ، بین دولتهای ایران و عراق را در هم می آمیختند.

در بین شهرهای استان لرستان، بروجرد بیشترین خانواده آواره را در خود ما داده است. اکنون کلیه مدارس این شهر به سرپناه و خانه ای خانواده های جنگ زده بدل شده است. عدم رسیدگی مسئولان محلی و دولت به مراسم ندهی مناسب و به موقع و مرتب خانواده های جنگ زده، ندادن امکانات اولیه به آواره ها، سردواندن و قرار دادن آنها در تنگناها و پیچ و خم کاغذ بازی، سردی هوای لرستان که خوزستانی برف ندیده را با آن آشنائی نیست و نیز دلتنگی ناشی از غربت و جنگ، جملگی موجب، ناراضی عمیق و خشم صدها هزارتن از مردم زحمتکش میهنمان نسبت، جمهوری اسلامی شده است. این امر آنقدر عیان و ملموس است که حکومتگران

همه چیز با ورم می شود." یکی دیگر از جوانان بسیجی آبادان در صف آوارگان در کمیته امام خرم - آباد می گفت: "اینجا می توانستند خوبی به مردم کمک کنند، من خودم در این باره وسایل ارسال مردم مناطق دیگر را دیده ام، نمی دانم چرا اینها را به این مردم نمی دهند. زن بدبخت با بچه ای در بغل از صبح میاید تا این هوای سرد اینجا می ایستد و انتظار می کشد تا مثلاً یک قوطی شیر خشک بگیرد، و اینها برای دادن یک قوطی شیر خشک به او با بچه ای در بغل را ش تحقیق کنند تا ثابت شود که آوارهاست و ندارد."

دبیرستان شریعتی شهرستان بروجرد یکی از محل های اسکان آوارگان است و به علت بزرگی و گنجایش زیاد، در حدود ۸۰ خانوار را در خود جای داده است. در هر اتاق دبیرستان، سه تا چهار خانوار زندگی می کنند. در راهروها نیز ده ها خانواده، شب و روز می گذرانند. سراسر راهرو را ز مدرسین با کتا رهم گذاشتن میزها و نیمکت ها و کشیدن پارچه و چادر و پتوئی بر روی آنها، به اطاقک های تقسیم شده است. زیرا اندازه یک پتو، یا مقوا و یا چادر شب است و روانداز هر چه بدستشان برسد. پتو و لباس گرم بسیار کم است و جنگ زدگان روزهای متمادی وسایعها و طولانی در صف می ایستند و چیزی بدست نمی آورند. هر چند که بچه ها فارغ از خیلی مسائله در راهروها و پله ها و صحن دبیرستان به جست و خیز و بازی مشغولند اما دیدن مادرانی که از سر ما خود را لای چادر پیچیده و ما تم زده در کنج نشسته، و در پناه "اتاقک ها"، چمباتمه می مردان مسند و اندوخته غمی سنگین بردل می نشاندند و آدم را با تمام وجود از این جنگ متنفر می کند. با دیدن ترازه واردی در دل ها، شکایتها و اعتراض ها از هر اطاق و از هر شروع می شود: "اینجا دروغ می گویند که بمب می رسند، ما پتو و چراغ نداریم، هر چی هم می گوئیم نمی دهند." "می خواهند سرگرممان کنند." "لباس گرم می خواهیم." "برنج و روغن می خواهیم." "نفت نمی رسد." "زودتر جنگ را تمام کنند بگردیم سر خانه و زندگی خودمان." "کمک، کمک، سرشان را بخورد با این کمک شان، نه جنگ راه بندازند اینجوری به ما کمک کنند."

یک کارگر پتروشیمی در صف جلوس مسجد در پاسخ به اینکه چرا در آبادان نمائندی میگوید: "بما نم زبیر خمپاره که چی؟ هر چه رفتیم و گفتم که بهم سلاح بدهند، ندادند! دست خالی می ماندم که چی؟ برای کی؟" و در باره وضعیت فعلی خودش و دیگر آواره ها می گوید: "همه دارند ناراحتی می کشند، به هر کی می گوئی پتو بده، خوراک بده، قند بده، نفت بده، فلان چیز را بده، می گوید من مسئول نیستم، اما زیرکی پتو در می کنند، و این همه وسایل را توانا را نگاه

بقیه در صفحه ۱۴

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم



# برآوارگان جنگ چه می‌گذرد؟



راهرو دبیرستان دکتر شریعتی در بروجرد - میزونی مکتب‌ها را کنار هم چیده اند و با کشیدن پارچه‌ای بر سر هر قسمت تا تکی درست شده برای یک خانواده.

دولت ضد خلقی عراق، خانه و کاشانه و تمام وابستگی‌های خود را رها کردند و برای حفظ جان به شهرهای امن تر، روان شدند. در آغاز این آوارگی‌ها، مهاجرت‌ها، حکومت جمهوری اسلامی که انتظار چنین برخوردی را از سوی توده‌ها نداشت با تبلیغات خود سعی داشت از خروج مردم از شهرهای جنگ زده جلوگیری کند، و آن‌هایی را که به شهرهای دیگر رفته بودند، و در کنسار، خیابان‌ها، مدارس، پارک‌ها، و در بدترین شرایط روز و شب آوارگی را می‌گذرانند، خائن، ترسو و... قلمداد کرد و حتی وقاحت را تا به آنجا پیش برد که در شیراز و اصفهان به تحریک اما جمع‌های این دو شهر، و تحریک و راه‌اندازی دسته‌های حزب الهی و فالانژ، به‌خانواده‌های آواره و جنگ زده یورش بردند، آن‌ها را در مضیقه و تنگنا گذاشتند تا بلکه به شهرهای خود بازگردند. اما واقعیت‌ها و عزم جزم توده‌ها بجز آن بود که این حرکات فاشیستی بتوانند در آن خلی ایجاد کند رژیم نیز در قبال این واقعیت، خیلی زود موضع سیاست خود را نسبت به جنگ زده‌ها تغییر داد و به اصطلاح آن‌ها را تحت حمایت خود گرفت و برایشان برنامه ریزی کرد. توده‌های آواره شهرهای جنگ زده در اصفهان، شیراز، بروجرد، خرم‌آباد و...

از آن هنگام که آتش جنگ گسترده و همه‌جانبه بین دولت‌های ایران و عراق شعله‌ور شد سا زمان ما در بیابان‌ها و مقلاتی متعدد و بی در پی جنگ مزبور را، جنگی بنا عا دلانیه ما هیئت‌ها و رشاجی که عواقب جزسیه روزی فقر و فاقه و در بگیری هر چه بیشتر برای زحمتکشان ایران و عراق و تشدید وابستگی به امپریالیسم، چیزی در بر ندارد، تحلیل و ارزیابی کرد، هر روزی که از جنگ گذشت و می‌گذرد واقعیت‌های تلخ و دردناک درستی‌گفتارها و تحلیل‌های ما را در حیطه‌ی زندگی و عمل برساند.

از مشخصه‌های عینی تاثیرات جنگ اخیر دولت‌های عراق و ایران، آوارگی صدهزار خانواده زحمتکش مناطقی جنگ زده است. با اولین بمباران‌ها و شلیک بی‌امان توپخانه‌ی ارتش مزدور عراق در شهرهای مرزی میهن ما، صدها هزار خانواده محروم و ستمدیده به دلیل نداشتن امنیت جانی و نداشتن سلاح و سازماندهی و عدم اعتماد به حکومت جمهوری اسلامی و نپذیرفتن جنگ مزبور، به ناگزیر آواره‌ی شهرها و روستا‌هایی شدند که مستقیماً درگیر جنگ نبودند، مردم شهرهای مرزی خوزستان: آبادان، خرمشهر، سوسنگرد و شوش، در زیر بارش خمپاره و خمسه‌خمسه‌های مرگ‌زای ارتش عراق با دلی پر درد و اندوهگین، و متنفراً از جنگ و حکومت جمهوری اسلامی و

## بحران در عراق اوج می‌گیرد نیروهای سیاسی متحده می‌شوند!

طی چند سال گذشته جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک خلق‌های عراق روز بروز با بیشتری می‌گیرد و در این میان مبارزه خلق قهرمان کرد عراق، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. مبارزه خلق کرد عراق که پس از اقلیت و خیزهای بسیار اکنون روند روبه‌اوج خود را طی میکنند زیر رهبری اتحادیه میهنی کردستان عراق قرار دارد. لازم به توضیح است که این اتحادیه متشکل از سه جریان میباشد که شامل: سازمان زحمتکشان کردستان عراق (ما رکسیست - لنینیست) - جنبش سوسیالیستی کردستان عراق - و خط عمومی میباشد.

پس از جنگ ایران و عراق، اتحادیه میهنی کردستان عراق شعار تبدیل این جنگ به جنگ داخلی را هر چه بیشتر گسترش داد و با هفت جریان دیگر مخالف برای سرنگونی رژیم صدام حسین تشکیل یک جبهه واحده را تدابیر این جریانات عبا رتند از:

جنبش سوسیالیستی عرب - حزب سوسیالیست عراق - ارتش آزادیبخش خلق عراق - حزب کمونیست عراق - حزب سوسیالیست متحد کردستان - جنبش سوسیالیستی عرب - حزب بعث چپ طرفدار سوریه. جریانات تشکیل دهنده جبهه دمکراتیک ملی - میهنی عراق برنامه کلی خود را در جهت ساختن جامعه‌ای دمکراتیک اعلام نموده و مباحثات نهائی برای پیشبرد امر جبهه ادامه دارد. بقیه در صفحه ۱۲

## کوه "حساب ۱۰۰" پس از مدتها موش زائید!

با اواخر انتظار بر سر آمدن حساب ۱۰۰ اما م بیلان کار خود را به معرض نمایش گذارد. گنا با دی وزیر مسکن و شهرسازی که بنا بر درخواست حمیدی نماینده مجلس برای پاسخگویی به مجلس احضار شده بود با آورش ده گانه "کمک‌های مردم به حساب شماره ۱۰۰ - حدود ۲۴۵ میلیون تومان بوده و حدود ۱۵۰ میلیون تومان دولت به بنیاد کمک کرده و حدود ۲۰ میلیون تومان از بنیاد شهید قرض گرفته ایم... و این کل در آمد بنیاد مسکن است. بنیاد مسکن در تهران، ۱۰ هزار قطعه زمین به مردم واگذار کرده است... در شهرستانها بقیه در صفحه ۱۵

# نابود باد امپریالیسم جهانی بسوکردگی امپریالیسم آمریکا و یا بگاه داخلی